

اورژانس هوایی پارس جنوبی؛
هواپیمای اختصاصی مدیران
یا آمبولانس هوایی بیماران؟!

صفحه ۷

نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال دوازدهم - شماره ۵۷۰ - یک شنبه ۱ آذر ماه ۱۳۸۸ - ۸ صفحه - ۲۵۰ تومان



توسط انجمن اهل قلم و خانه مطبوعات بوشهر برگزار شد:

کنگره شعر منوچهر آتشی

گفتگو با مجید حسینی کنگانی مدیرعامل باشگاه شاهین:

بوشهر عزم خود را جزم کرده که از شاهین حمایت کند



لطف مردم باعث شد که انگیزه ام برای خوب شدن، صد چندان شود

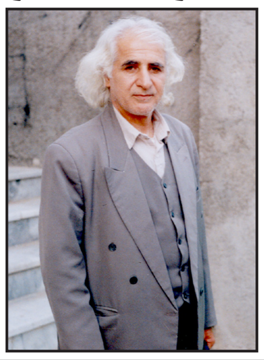
محسن شریفیان



صفحه ۵

از قلندرخونه تا قُلدرخونه!

علی غلامی



صفحه ٤

به دنبال مصوبه حمایت وزارت نفت از شاهین باید بود

علی افراشته



صفحه٦

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۵۷۰ یک شنبه ۱ آذر ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

بی توجهی شورا و شهرداری کاکی به فرهنگ و کتابخوانی

هوشنگ حیدری - عضوخانه مطبوعات بوشهر



هوشنگ احمدی شهردارفعلی کاکی ،اززمان تحویل گرفتن حکم شهرداری خود از استانداری بوشهر، تاکنون حتی یک ریال هم به حساب انجمن کتابخانه عمومی ولی عصر(عج)واریز نکرده است ! این درحالی است که طبق مصوبه قانونی نمایندگان مجلس شورای اسلامی شخص شهردار را مسوول مستقیم پرداخت نیم درصد از درآمد شهرداری تعیین کرده اند و در ادامه، این وظیفه مهم را به وزارت کشور ابلاغ نموده اند تا شهرداران سراسرکشو به این قانون عمل نموده ودرکنار دیگر وظایف جاری خود، به فکرکتابخانه های شهر خودشان نیز باشند؛ در ماده ۶ این قانون که درسال ۸۳ به تأیید نمایندگان مجلس ششم شورای اسلامی رسیده، به صراحت اعلام شده است: "شهرداری ها مکلفند همه ساله حداقل نیم درصد از درآمد خودرا به منظور اداره کتابخانه های عمومی شهر مربوط قرار دهند." به گفته حسینی مسوول کتابخانه شهر کاکی، علیرغم پیگیری های فراوان ، احمدی شهردار کاکی به مصوبه مجلس عمل ننموده و هیچ گونه کمک مالی در این خصوص ازطرف شهرداری به این کتابخانه نشده است وگویا ایشان تمایلی به این کار هم ندارند که کمکی به کتابخانه بشود! حسینی با اظهار تأسف وگلایه شدید ازاین حرکت شهردارتصریح نمودند که شهردار که خود عضوانجمن خود کتابخانه می باشد نیز درجلسات انجمن اصلاً شرکت نمی کند!!

حسینی همچنین از احمد زارع شهردار سابق به خاطر اینکه نزدیک به یک میلیون و پانصدهزارتومان ازحساب شهرداری بابت قانون نیم درصد به حساب انجمن کتابخانه کمک کردند و جوکار سرپرست اسبق شهرداری که در تآمین هزینه ساخت پارکینگ، رنگ آمیزی فضای سبز حیاط کتابخانه و دیگرامور، تلاش های زیاد و نتیجه بخشی متقبل شدند، به نیکی یاد می کند.

نگارنده می تواند به شهردار از آن جهت که به کتابخانه جهت گرفتن کتاب ومطالعه دران جا وقت نگذارد، حق بدهد؛ چرا که این مسآله شخصی بوده وبه ما هم ربطی ندارد؛ ولی اینکه نزدیک به ۲۰ میلیون تومان از پول کتابخانه در حساب شهرداری خوابیده یا به اصطلاح بلوکه شده باشد و شهردار راضی به پرداخت مطالبات خود نباشد، چرا که پول توجیبی واز حساب شخصی خودش نیست که دستش بلرزد، بلکه این پول ها متعلق به همین مردم و بیت االمال مسلمین بوده و بایستی به طور عاجل اقدام به پرداخت آن کند.

شهردار محترم این شهر تاریخی و مذهبی پاسخ دهند: علت اینک تاکنون علیرغم تقاضاهای مکرر رییس و اعضای کتابخانه، کوچه ی خاکی جنوب کتابخانه را به چه بهانه ای آسفالت نکرده است؟! آیا پاسخگوی خاک خوردن هزاران جلد کتاب نفیس و ارزشمند و قفسه ههای محجورکتاب ها و نشریات، کسی جز شخص شهردار می تواند باشد؟! علت اینکه به فکر فضای سبز بیرون کتابخانه نبوده اید، آیا کمبود اعتبارمالی بوده است یا فراموش کردن این مکان فرهنگی عمومی؟! چرا شهرداری برای امورات فرهنگی این شهر، هیچ ردیف بودجه ای درنظرنگرفته است؟! آیا وظیفه ی شهرداری فقط در کارهای عمرانی خلاصه می شود یا خیر؟! آیا.......

در حالیکه وظیفه شهرداری تنها آسفالت کوچه ها وخیابان های خاکی وپرکردن چاله – چوله های شهر نمی باشد (بماند که دراین خصوص هم چندان اقدام مفیدی انجام نشده است!) بلکه پرکردن بخش عظیمی از چاله و چوله های فرهنگی شهر نیز درکنار دیگرمتولیان فرهنگی بر عهده شهردار و جزو وظایف اصلی اوست که تا کنون هیچ اقدامی در این مورد از ایشان ندیده ایم و مشکل تا پایان ماموریتش در شهرداری کاکی کارفرهنگی خاصی انجام دهد ؛ البته شاید در این خصوص هم حق با شهردارمحترم باشد ؛ وقتی که از جانب شورای شهر هیچ مصوبه ای فرهنگی جهت تامین مالی و اجرا به شهرداری حواله نشده باشد؛ عاقلانه تر ان است که بار گناه بزرگی که شورا بانی و مسبب آن بوده است را از دوش شهردار محترم برداشته وبه گردن شورا بیندازیم! شورایی که فاقد کمیسیون اجتماعی و فرهنگی است و جایی برای دغدغه های فکری فرهنگی دوستان شورای شهر ما نبوده است و علیرغم گذشت بیش از ۲ سال از عمر پربرکت شورای سوم، هیچ طرح یا مصوبه فرهنگی در این شورا تصویب نشده باشد، آن وقت باید برای علاج مصیبت واقعه سراغ خود اعضای شورا رفت وپاسخ بی توجهی و تنبلی آنان به مهمترین نیاز شهروندانشان که همانا بخش مهم فرهنگی است را باید از زبان خود آنان شنید. البته این قلم تنهایی و دست خالی بودن ۳ عضو ممتاز و دلسوز شورای شهر یعنی سید علی اکبر فاطمی ، احمد دهقان وسهراب منصوری را درک می کند و بیشترازهمه از فاطمی انتظار می رود از این به بعد ، هم در انتخاب شهردار وهم در مسایل فرهنگی – که خود الحمدلله به زیور دانش و فرهنگ آراسته اند– دقت کافی کنند و باعث رضایت افکارعمومی شوند!!

اگرشهردار کاکی راضی به تن دادن به این قانون مشهور نیم درصد و پرداخت بدهی خود به کتابخانه شد که حرفی نیست، ولی اگر باز هم بنای ناسازگاری سردهد ، از دستگا ههای نظارتی استان بویژه سازمان بازرسی دعوت می کنیم به طور قانونی وارد عمل شده و تا گرفتن همه مطالبات خود ، رضایت خاطر مردم فرهنگ دوست کاکی را جلب نمایند؛ ذکر این نکته ی خبری مهم هم شاید شنیدنی باشد که : صفری معاون سیاسی– قضایی سازمان بازرسی کل کشور در در۱۹ ابان ماه سال جاری در جمع اصحاب رسانه ومطبوعات با قاطعیت وشجاعت بیان فرمودند : " سازمان بازرسی کل کشور به کلیه ادارات تابعه ی خود طی بخشنامه ای تاکید کرده است تا نسبت به مکلف نمودن شهرداران در خصوص پرداخت نیم درصد از درامد شهرداری به انجمن کتابخانه های عمومی اقدام کنند! "(خبرگزاری مهر سه شنبه ۱۹ ابان ماه ۸۸)

برترین های جشنواره استانی قصه گویی در بوشهر معرفی شدند



دوازدهمین جشنواره استانی قصه گویی مراکز فرهنگی هنری استان بوشهر با معرفی برترین ها به کار خود پایان داد. به گزارش روابط عمومی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان بوشهر، در این جشنواره ۲۷مربی از مراکز فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شش مربی در بخش آزاد با هم به رقابت پرداختند که در پایان سه مربی به عنوان برگزیده ویژه معرفی و از آنان تقدیر شد.

براساس این گزارش هیات داوران جشنواره فرزانه بوشهری با قصه اکوان دیو برگرفته از شاهنامه فردوسی از مرکز شماره دو بوشهر را به عنوان برگزیده اول و مهری دست دار با قصه سقای تشنه لبان برگرفته از منابع مذهبی از مرکز شماره دو بوشهر و سوسن حیاتی با قصه رستم و سهراب برگرفته از شاهنامه فردوسی از دیلم به ترتیب به عنوان برگزیدگان دوم و سوم جشنواره معرفی کرد.

پس از سانحه تصادف محسن شریفیان

مسکو؛ نخستین میزبان رسمی گروه موسیقی لیان

گروه موسیقی لیان به سرپرستی محسن شریفیان با حمایت مرکز ملی فرش ایران، در هفته ی آتی در مسکو به روی صحنه می رود. این اجرا قرار است در نمایشگاه MEBEL۲۰۰۹ برگزار گردد. این نخستین اجرای رسمی محسن شریفیان بعد از سانحه ی تصادف وی می باشد.

یکی از اهداف این نمایشگاه معتبر بین المللی معرفی موسیقی ملل مختلف است که به طور قطع نقش به سزایی در جلب مخاطب به نمایشگاه خواهد داشت. از آنجایی که گروه موسیقی لیان سابق بر این اجراهایی در انیستیوآسیا آفریقا و دانشگاه موسیقی اف چایکوفسکی روسیه برگزار کرده است پیش بینی می شود اجراهای دیگری نیز داشته باشد. از اجراهای این گروه در تاریخ ۷ آذر برای فارسی زبانان مسکو قطعی شده است.

در این اجرا به مانند گذشته صدای گرم روح الله صفوی ساز محسن شریفیان را همراهی خواهد کرد. لازم به ذکر است که این دومین اجرای موسیقی لیان در یک سال اخیر می باشد که در مسکو برگزار شده است. اجرای این گروه از ۲ لغایت ۷آذر ادامه خواهد داشت.

فرمانده سپاه بوشهر:

بسیج بزرگترین مدافع انقلاب است



فرمانده سپاه امام صادق (ع) استان بوشهر گفت:بسیج بزرگترین مدافع انقلاب و اسلام است که در تمام صحنه ها از برکات وجود آن استفاده می شود.

سرتیپ دوم پاسدار فتح الله جمیری در نشست شورای اطلاع رسانی ستاد هفته بسیج استان بوشهر افزود: حضرت امام (ره) با نگاه تیزبین خود هیچ نهادی را برای بیمه کردن انقلاب بهتر از بسیج ندانست و با تمام افتخار بر دست و بازوی بسیجیان بوسه می زد و از خداوند می خواست که با بسیجیان محشور شود. به گزارش ایرنا، وی به برنامه های دشمنان برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و یادآورشد: دشمنان به خیال باطل خود با اجیر کردن افرادی بی هویت و صرف هزینه های گزاف می خواستند انقلاب اسلامی را از پای درآورند ولی تیر آنها به سنگ خورد و نتوانسته اند کوچکترین ضربه‌ای به این نظام وارد کنند. سردار جمیری اضافه کرد: براساس برنامه ریزی انجام شده امسال همزمان با بزرگداشت هفته بسیج بیش از هزار برنامه فرهنگی در استان بوشهر برگزار خواهد شد.

فرمانده سپاه امام صادق (ع) استان بوشهر گفت: بسیج در قالب اقشار مختلف مردمی سازمانی پویا و فعال برای اجرای ماموریت های محوله است. وی افزود: سه دهه حضور آگاهانه و با بصیرت توسط بسیج در عرصه انقلاب باعث شده تا کارآمدی خود را برای مقابله با ترفندهای دشمنان و استقلال و شکوفایی کشور به منصه ظهور برساند.

آنفلوآنزا پنج مدرسه را در کنگان و عسلویه تعطیل کرد



سرپرست شبکه بهداشت و درمان شهرستان کنگان استان بوشهر گفت: به علت شیوع آنفلوآنزای فصلی تاکنون یک مدرسه در کنگان و چهار مدرسه نیز در بخش عسلویه بصورت موقت تعطیل شده است.

ابراهیم قوچانی خراسانی در کارگروه بهداشت شورای سلامت کنگان افزود:تاکنون هیچ نمونه ابتلای به بیماری آنفلوآنزا نوع Aدر این شهرستان گزارش نشده است.

وی یادآورشد:کنگان تنها شهرستان استان بوشهر است که دارای اطاق ایزوله تنفسی و تشخیص بیماری آنفلوآنزا نوع A است. به گزارش ایرنا، قوچانی خراسانی اظهارداشت: برای آگاه بخشی جامعه از طریق برنامه‌های آموزشی و پخش نرم افزار در قالب نشست با اولیای دانش آموزان و اقشار جامعه فعالیت‌هایی در این شهرستان انجام شده است. فرماندار کنگان نیز گفت:بهترین شیوه مقابله با این بیماری پیشگیری از طریق رعایت توصیه‌های بهداشتی است. عباس تبرکی افزود:دستگاههای متولی از جمله بهداشت و درمان و آموزش و پرورش برای ارتقای سطح سلامتی جامعه باید تلاش کنند.

وی اظهارداشت: افزایش سطح آگاهی، اطلاع رسانی و شفاف‌سازی امور برای مردم ضروری است.

فرماندار کنگان یادآورشد: مدیران مدارس و مراکز آموزش عالی در این شهرستان باید قبل از آغاز فصل سرما پیش بینی لازم برای جلوگیری از شیوع این بیماری را انجام دهند.

حوادث بوشهر

مرکز اطلاع رسانی معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان بوشهر

نجات معجزه آسای ۳ مهندس پارس جنوبی توسط پلیس

۳ تن از مهندسین پارس جنوبی که به جهت کوهنوردی در کوههای آن شهر سرگردان شده بودند بطور معجزه آسایی توسط پلیس از مرگ حتمی نجات یافتند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، درپی تماس تلفنی فردی از مهندسین پارس جنوبی بوشهر با مرکز فوریتهای پلیسی ۱۱۰مبنی بر سرگردانی و گم شدن وی و دو تن از همکارانش که به جهت کوه پیمایی و تفریح به کوههای اطراف عسلویه رفته بودند و همچنین اتمام آذوقه و آب آشامیدنی و از حال رفتن آنها از فرط خستگی و تشنگی، پلیس سریعا وارد عمل گردید. ادامه گزارش حاکیست، پلیس با تشکیل ۳ اکیپ ویژه از نیروهای زبده و آشنا به کوههای آن اطراف و بهمراه دو تن از ماموران آتش نشانی و با توجه به تاریکی شب طی چندین ساعت کوه نوردی بی وقفه خود را به محل مورد نظر رساندند. بر پایه این گزارش، با حضور پلیس در محل مورد نظر و مشاهده وضعیت جسمانی آنها و با توجه به صعب العبور بودن مسیر مجبور به درخواست بالگرد شده که این درخواست توسط مبادی ذیربط پذیرفته نگردید. گفتنی است، با پذیرفته نشدن در خواست و با توجه به وخامت حال مصدومین که یکی از آنها دارای بیماری قلبی نیز بود ، پلیس مصدومین را بصورت نوبه ای بر روی دوش خود گذاشته و پس از ۱۲ ساعت کوه پیمایی و تلاش بی وقفه آنها را به دامنه کوه و در مسیر جاده رسانده و در آنجا با خودرو مصدومین را به کمپ استراحت خود منتقل کردند. شایان ذکر است، حال ۳ نفر مصدوم و وضعیت مزاجی آنان پس از چندین ساعت استراحت کاملا عادی می باشد.

نتایج طرح ٤ روزه مبارزه با سرقت در استان بوشهر

رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان بوشهر با تشریح نتایج طرح ۴ روزه مبارزه با سرقت در استان از استعلام ۱۷۷۵ دستگاه خودرو خبر داد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، سرهنگ هوشمند شریفی رئیس پلیس اگاهی فرماندهی انتظامی استان بوشهر در تشریح جزئیات طرح مبارزه با سرقت در استان بوشهر گفت : نتایج اجرای این طرح مثبت و کم سابقه بوده است. وی افزود : در این طرح در پی استعلام از ۱۷۷۵دستگاه خودرو و موتورسیکلت ، پلیس موفق به کشف ۳۵ دستگاه موتورسیکلت مسروقه ، دستگیری باند سارقین موتورسیکلت به سرکردگی فردی بهویت"مسعود"و سه نفر از اعضاء باند و اعترافشان به ۱۶ فقره سرقت شد. سرهنگ شریفی اضافه کرد : کشف دو مورد سرقت احشام ، دستگیری یک نفر سارق به عنف موتورسیکلت بهویت"ح"، دستگیری یک نفر سارق حرفه ای بهویت "م" و اعتراف به ۹ فقره کیف قاپی،دخل زنی و سایر سرقت ها ، کشف یک دستگاه خودرو پراید سرقتی ، کشف ۱۰تنه و انجین موتورسیکلت سرقتی ، دستگیری یک نفر زندانی فراری بهویت"د"به اتهام کلاهبرداری و کیف قاپی ، دستگیری دو نفر کیف قاپ بنامهای"س و م" ، دستگیری یک نفر از ارازل اوباش تحت تعقیب بهویت"م" از دیگر نتایج این طرح می باشد.

اعتراف به سرقت ۵۰ دستگاه موتورسیکلت در بوشهر

یک باند ۵ نفره سرقت موتورسیکلت پس از دستگیری بوسیله کلانتری ۱۱ بوشهر به سرقت ۵۰ دستگاه موتورسیکلت اعتراف کردند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ، ماموران پلیس کلانتری ۱۱ باغ زهراء فرماندهی انتظامی بوشهر در پی سرقت های اخیر در سطح حوزه استحفاظی خود با انجام کارهای اطلاعاتی و تلاش های جدی و مضاعف خود توانستند باند سرقت موتورسیکلت را شناسایی کنند. ادامه گزارش حاکیست ، با تلاش شبانه روزی ، پلیس موفق به دستگیری یک نفر سارق در حین شکستن قفل گردن یک دستگاه موتورسیکلت شد. برپایه این گزارش ، با تلاش صورت گرفته در امر بازجویی از متهم دستگیر شده وی لب به اعتراف گشود و اظهار داشت : بهمراه ۵ نفر از دوستانم با هویت های معلوم اهل و ساکن گناوه هر دو روز یک بار از آن شهر به بوشهر می آییم و اقدام به سرقت موتورسیکلت می نماییم و تاکنون۲۰ دستگاه موتورسیکلت سرقت نموده ام و دیگر اعضاء باند نیز ۵۰ دستگاه موتورسیکلت را در این شهر به سرقت و به شهر گناوه انتقال داده اند و به دو نفر مالخر با هویت های معلوم به قیمت هر دستگاه ۵۰ هزار تومان به فروش رسانیده ایم. گفتنی است ، در این خصوص پرونده ای تشکیل و با هماهنگی با مقام محترم قضایی در اختیار پلیس آگاهی استان جهت دستگیری دیگری سارقین و مالخران قرار گرفت.

انحراف به چپ خودرو تویوتا در عسلویه مرگ موتورسوار را رقم زد

انحراف به چپ خودرو تویوتا لندکروز در عسلویه استان بوشهر مرگ راکب موتورسیکلت را بهمراه داشت. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، در پی اعلام مرکز فوریتهای پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک فقره تصادف بین یک دستگاه موتورسیکلت به رانندگی فردی بهویت"احمد"با یک دستگاه خودرو تویوتا لندکروز به رانندگی فردی بنام"عباس"ماموران پلیس پاسگاه انتظامی کنار خیمه شهر عسلویه استان بوشهر سریعا به محل مورد نظر اعزام گردیدند. ادامه گزارش حاکیست، با حضور ماموارین در محل مشخص گردید راکب موتورسیکلت بعلت سختی جراحات وارده در اثر برخورد با خودرو مذکور در محل فوت نموده است. گفتنی است، در این خصوص کارشناس پلیس راه از صحنه تصادف بازدید و علت تصادف را انحراف به چپ خودرو اعلام کرد.

توقیف خودرو تریلی حامل ۷۷۶۰ تخته پتوی قاچاق در پارس جنوبی

ماموران پلیس کلانتری ۱۱نخل تقی پارس جنوبی موفق به توقیف یک دستگاه خودرو تریلی حامل ۷۷۶۰ تخته پتوی قاچاق در آن شهر شدند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ، ماموران پلیس آن کلانتری در حین کشت زنی در سطح حوزه استحفاظی خود به یک دستگاه خودرو تریلی مظنون و اقدام به توقیف آن نمودند. ادامه گزارش حاکیست، با توقیف خودرو در بازرسی مامورین پلیس از آن تعداد۷۷۶۰ تخته پتو که بصورت قاچاقی از طریق آبهای استان و از کشورهای حاشیه خلیج فارس وارد کشور گردیده بود،شدند. گفتنی است، ارزش کالای مکشوفه چهارصد و بیست میلیون ریال برآورد شده است.

یک سارق و ۱۳سرقت در برازجان

سارقی که توسط ماموران پلیس آگاهی شهر برازجان دستگیر شده بود به ۱۳ فقره سرقت موتورسیکلت اعتراف کرد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، پلیس آگاهی شهر برازجان استان بوشهر در پی سرقت های متعدد موتورسیکلت در آن شهر موفق به دستگیری یک نفر سارق در این خصوص شدند. برپایه این گزارش، ماموران پلیس آگاهی آن شهر در پی دستگیری فردی و در بازجویی های فنی و تخصصی خود موفق به کشف ۱۳ دستگاه موتورسیکلت از وی شدند . ادامه گزارش حاکیست، در بازجویی های بعدی پلیس وی به انجام سرقت توسط دو نفر دیگر بنام های "حسن"و"حسین"معترف و تلاش جهت دستگیری آنها توسط آن پلیس آغاز شده است.

خبرهای ویژه سایت اینترنتی مند نیوز از پارس جنوبی

در تازه ترین اقدام بومی زدایی سوری انتصاب یک مدیر غیر بومی دیگر در پارس جنوبی !!!

مند نیوز:به گزارش مند نیوز، در تازه ترین اقدام بومی زدایی، سوری یک مدیر غیر بومی (خوزستانی) دیگربه مدیران غیر بومی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس افزوده شد. بنا بر این گزارش طی حکمی از سوری راضیه میر عباسی که از کارکنان شرکت پایانه های نفتی ایران می باشد به سمت جانشین مدیریت بازرگانی (تدارکات کالا و خدمات) سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس منصوب شد.

گفتنی است پیش از این، سوری حمید رضا مسعودی همسر میرعباسی را به سمت سرپرست طرحهای مهندسی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس منصوب نموده بود.

این انتصاب در حالی صورت می گیرد که کارکنان زن بومی پارس جنوبی در آستانه اخراج قرار دارند.

انتصاب یک مدیر خوزستانی دیگر در پارس جنوبی

هر دم از این باغ بری می رسد!!!

به گزارش مند نیوز، سوری مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس یک مدیر خوزستانی دیگر را در یکی از سمت های مهم منطقه ویژه منصوب نمود.

بنا بر این گزارش سوری طی حکمی محمد علی صرامی که از مدیران شرکت پایانه های نفتی ایران می باشد را به سمت دبیر کمیسیون مناقصات سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس منصوب کرد. پیش از این سعید بیگیان این سمت را بر عهده داشت که به واحد برنامه ریزی انتقال یافت.

اخراج غیر مستقیم کارکنان زن بومی پارس جنوبی

به گزارش مند نیوز، به دستور سوری (مدیرعامل پارس جنوبی) کارکنان زن بومی پارس جنوبی که به صورت اقماری همانند سایر کارکنان در منطقه ویژه حضور داشته اند باید به صورت روز کار فعالیت نمایند.

همچنین بنابر این دستور کارکنان زن بومی باید محل استراحت خود را تخلیه نمایند واز کمپ کارکنان خارج شوند. این در حالی است کارکنان غیر بومی وضعیت کاری آنان به صورت اقماری می باشد و در کمپ هم اقامت دارند. با توجه به اینکه عسلویه جز مناطق عملیاتی محسوب می شود و روز کار شدن کارکنان زن بومی وسکونت آنان در شهرهای عسلویه، نخل تقی یا کنگان و خارج از کمپ کارکنان از لحاظ امنیتی به هیچ وجه قابل توجیه نیست و این دستور به منزله اخراج غیر مستقیم کارکنان زن بومی تلقی می شود.

بی توجهی مسئولین ارشد استان و نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی در خصوص رفتارهای تبعیض آمیز با نیروهای بومی غیر اغماض است و انتظار می رود با حساسیت و به صورت ویژه موضوع فوق را مورد پیگیری قرار دهند وبا تذکر به وزیر نفت از سیاستهای بومی زدایی سوری جلوگیری نمایند.

اورژانس هوایی پارس جنوبی؛ هواپیمای اختصاصی مدیران یا آمبولانس هوایی بیماران؟!

مند نیوز: مدیر عامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در گفتگو با خبرنگاران اعلام نموده است یک فروند هواپیمای فوکر بمنظور اعزان بیماران اورژانسی شرکت های وزارت نفت در منطقه پارس جنوبی ومردم بومی بخش عسلویه در فرودگاه خلیج فارس مستقر شده است وعلاوه بر استفاده اورژانس هوایی ، امکان پرواز در مسیرهای اهواز ،شیراز و بوشهر هم وجود دارد. در شرایطی که مدیران پارس جنوبی به بهانه اصلاح الگوی مصرف و صرفه جویی حقوق و اضافه کار کارکنان را به شدت کاهش می دهند مشخص نیست راه اندازی اورژانس هوایی با هزینه گزاف به چه منظور بوده است. این در حالی است که مردم بومی عسلویه به سختی در درمانگاه منطقه ویژه پذیرش می شوند و به ندرت آمبولانس در اختیار آنان قرار می گیرد و بسیاری از مردم بیماران خودرا به بیمارستان پارسیان (گاوبندی) و شیراز اعزام می کنند اورژانس هوایی هیچ منفعتی برای مردم منطقه ندارد.

آیا با هزینه خرید این هواپیما نمی شد بیمارستان مجهزی در عسلویه احداث نمود یا حداقل بیمارستان نیمه تمام تامین اجتماعی عسلویه را تکمیل نمود تا نیاز به اعزام بیماران و اورژانس هوایی نباشد.مدیر عامل سازمان منطقه ویژه گفته اند از این هواپیما در مسیرهای هوایی بین عسلویه و دیگر شهرها استفاده می شود. آیا هدف اصلی راه اندازی این اورژانس استفاده اختصاصی مدیران از این هواپیما نمی باشد.

این سوال مطرح می شود آیا این اورژانس هوایی هواپیمای اختصاصی مدیران می باشد یا آمبولانس هوایی بیماران؟

نیکوکاری، ۲/۵میلیاردریال برای خرید خودرو فرهنگیان دیر بوشهر اختصاص داد

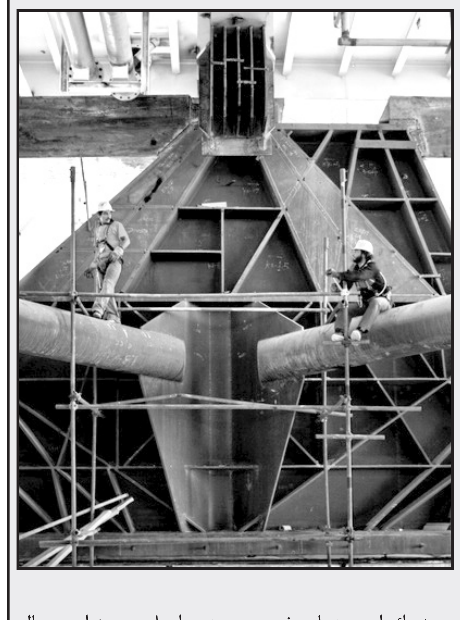
رییس آموزش و پرورش شهرستان دیر گفت: یک فرد خیر دیری دو میلیارد ۵۰۰ میلیون ریال برای خرید خودرو در قالب تسهیلات به فرهنگیان این شهرستان اختصاص داده است.

یونس باربرز در گفت و گو با خبرگزاری جمهوری اسلامی افزود: با این تسهیلات هر فرهنگی می‌تواند تا سقف ۵۰ میلیون ریال از این تسهیلات استفاده کند و قسط آن نیز ماهانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار ریال است. وی، باقدردانی از همراهی خیرین با این اداره ادامه داد: در چند سال اخیر توجه خیرین به آموزش و پرورش بسیار مطلوب بوده و با حمایت خیران و نیکوکاران بسیاری از مشکلات فرهنگیان برطرف شده است.

باربرز اضافه کرد: برای ترویج فرهنگ ورزش و تندرستی، رکاب‌زنی و مصرف بهینه سوخت، ۵۰ دستگاه دوچرخه از طرف این اداره به ۵۰ نفر از کارکنان اداری آموزش و پرورش دیر واگذار شده است که قیمت هر دوچرخه یک میلیون و۵۰۰ هزار ریال است که در ۱۰ قسط پرداخت خواهد شد.

افسانه صنعتی شدن استان بوشهر!

علیرضا ثوابت



بحث دائم این روزها در خصوص صنعت استان مبحث استحصال بدهی های معوق می باشد بحثی که دولت تمایل بسیار دارد که به سرانجام برسد و صنعت کشور تکانی خورده و طعم و مزه محصولات ایرانی به ذائقه مردم دگر بار چشانده شود و مردم ایران بر این باور برسند که طعم و مزه محصولات تولیدی ایرانی بهتر و البته صد بهتر از محصولات وارداتی می باشد.
سرانجام این کشتی بی ناخدا به کجا می رود، خدا داند؟! اما از ظواهر امر چنین بر می آید که مسئولین مربوطه هم و غم خود را گذاشته اند که بخشنامه های ابلاغی در این خصوص اجرایی شود و با برگزاری جلسات گوناگون از کار کرده اشتغال گرفته تا کارگروه های تخصصی و سایر جلسات در این خصوص و با توافق اعضای کارگروه ها و نوشتن صورتجلسات می خواهند، گره ای از مشکلات عدیده صنعت رو به زوال استان رابردارند و آن را احیا کنند اما دریغ از عملیاتی شدن این مصوبات بدین دلیل که سدی در سرراه این مصوبات وجود دارد به نام «بانک» که این خود از هفت خان رستم سخت تر و از کوه قاف بلندتر و ارتفاع آن دست نیافتنی تر از تمامی قلل مرتفع دنیا باشد و حالا چند سئوال پیش می آید:
مجری طرحی که با هزار خون دل خوردن و سختی کشیدن طرحی را به سرانجام می رساند و تسهیلاتی از بانک دریافت می کند و بعضاً تمامی زندگی خود را بر سر این کار می گذارد و حالا که موقع نتیجه گیری و ثمر دادن زحمت خود می باشد مشکل سرمایه در گردش مواجه می شود؟ آیا بهتر نبود از همان دقائق ابتدائی آب پاکی را روی دستش می ریختند تا به دنبال صنعت نرود و بدنبال افسانه صنعتی شدن استان نگردد. افسانه ای که با هزار مشکل و سختی روبرو بوده و هست و آیا تولید کننده ای که حالا بعد از سختی های بسیار باید به فکر تولید بهتر با کیفیت برتر و به فکر تولید ارزان تر با محصولات متنوع باشد، باید به فکر سرمایه در گردش باشد؟
آیا مسئولین استان خود به این امر وقوف ندارند که آب و هوای شرجی تمامی دستگاه ها و ساختمان ها و تاسیسات را با استهلاک شدید مواجه می کند؟ و این استهلاک باعث ازبین رفتن آنها و غیرقابل استفاده شدن می کند و آیا تولید کننده جنوبی باید مثل جومونگ بدنبال حل مشکلات ریالی و پولی خود باشد؟ یا به فکر تولید یا به فکر بدست آوردن بازار فروش؟ و یا به فکر اینکه چگونه طی ماههای آینده با وارد شدن رقبای بیشتر بازار را از دست ندهد؟
آیا وقت آن نرسیده که مسئولین استان معضل اساسی واحدهای تولیدی را به طریقی کارشناسی شده حل کنند و این معضل بزرگ واحدهای تولیدی را اساسی حل و فصل نمایند و بانک های عامل را مجبور به همکاری نموده و باعث چرخش چرخ واحدها شوند.به امید روزی که رویای صنعتی شدن استان به حقیقت بپیوندد.

با این ترافیک سنگین چه کنیم؟

ناصر علیخواه



با این همه تولید خودرو که زمینه ساز ترافیک، تصادفات جانی و معلولیت، چگونه از خیابان عبور کنیم؟ آیا زمان آن نرسیده که در تولید صنعت خودروسازی (سواری، باری، و موتورسیکلت) تجدید نظری شود که درآینده نه چندان دور از روستا تا پایتخت زنجیروار خودروها در مسیر حرکت اند و راه عبور و مرور عابرین در هر گذرگاهی محدود و مسدود خواهند کرد، بلاخره هر مشکلی راه حل خاص خود دارد و تکلیف کودکان و سالمندان در این گذرهای مختلف و خطرناک چیست؟
هنگامی که تک و تنها شدی و بچه ها یکی از پس از دیگری از کنار خانواده پراکنده شدند، احساس می کنی که خیلی تنها هستی. این یک واقعیت است هر چند که در مسیر زندگی انسان از آغاز تنها بوده و از تنهائی هم لذت برده و هم با غم و غصه عجین شده ...
از فرط تنهائی هوای بیرون از منزل به سرمان زد که برای خواندن، روزنامه ای تهیه کنیم که زمینه ی مطالعه شب داشته باشیم، شال و کلاهی و لنگ لنگان از گوش و کنار چند ده پله ای آپارتمان خود را به هم کف نزدیک و در خروجی را که باز کردم با احتیاط که صدای اعتراض همسایه بلند نشود و در این روزهای واپسین عمر با هزینه سرسام آور درمان از خطرافتادگی و بعد شکستگی و پایانش معلولیت و انتظار مرگ کشیدن خود را به کنار خیابان رساندم. یک جا میخکوب می شوی از مشاهده حرکت زنجیره ای ماشینهای سواری و... که از دو طرف خیابان بعلت ترافیک سنگین، جاده تنگ و کم عرض چنده دهه گذشته که ماهی و سالی بیش از چند تا گاری و ماشین بیشتر در نمیشد. و حالا هر جا که ایستاده ای تا چشمانت می بیند مثل مور و ملخ دنیای گذشته، ماشین ها و جمعیت که برای گذر از خیابان اول باید اشهد خود را بخوانند و بعد قدم به جلو، توکلت علی اله بگذارند تا چه پیش آید خدا دانا است.
این هم از آن مشکلات جامعه های در حال توسعه است. در گذشته مواجه شدیم با ازدیاد جمعیت ناچار شدیم برای کنترل آن هر چند که خیلی دیر شده بود و بعید به نظر میرسید با آن کیفیت جمعیت دل خواه گذشته دست پیدا کنیم به هر حال در صدد کنترل آن برآمدیم.
درمهرماه گذشته آمار ورودی دانش آموزان ثبت نام شده پایان اول ابتدائی که از طرف وزارت آموزش و پرورش اعلام گردید معادل ۲۵۰ هزار کودک بود که مقداری از آمار تولید خودرو در کشور کمتر بود.

یاحسینی و زحمتی که می کشد

زرتشت دوانی



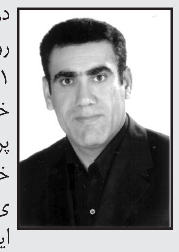




حدود نیم قرن از فعالیت و کوشش پژوهشگران بزرگی همچون شادروان نوری زاده بوشهری و شادروان اسماعیل رایین که هردو به تاریخ و فرهنگ بندر بوشهر و ایران خدمت کردند می گذرد و در این دوره از قرن مردم بندر بوشهر پس از سالها شاهد درخشش دُرّ گرانبهائی به نام سید قاسم یا حسینی هستند که با پشتکار و همت خستگی ناپذیری در این عرصه خدمت می نماید و تا امروزکتابها و مقالات فراوانی از دسترنجش به چاپ رسیده که قابل تقدیر و احترام است. البته باید این مسئله را متذکر شوم که این تعریف و تحسین از یاحسینی به این خاطر نیست که با او دوست و آشنا باشیم و یا در عرصه پژوهش تاریخ و فرهنگ کسی دیگر نیست و یا به حد اندازه او نمی باشند، بلکه خوشبختانه بندر بوشهر در این ربع قرن تاریخی دراین دو زمینه یاد شده از این دُرّهای درخشان فراوانی دارد که همگی در زمینه مطالعه و پژوهش خود از موفقیت و برجستگی ویژه ای بر خوردار هستند. اما اگر انصاف هم به خرج دهیم باید گفت یاحسینی در صف اول بزرگانی قرار دارد که پژوهش خود را به صورت حرفه ای و جدی دنبال می نماید، یعنی اینکه بدون داشتن شغل اداری و یا آزاد یا منبع مالی دیگری ویا صرف وقت مفیدش به فعالیتی دیگر، فقط از شغل نویسندگی امرار معاش می نماید که بدون هیچ گونه رو درباسی باید گفت در این روزگار گرانی و تورم که گریبان همه طبقات جامعه را به سختی گرفته طرف یا باید دیوانه باشد و یا انکه آنقدر عاشق باشد که از زخم های اقتصادی که در کشور موجود است بی خیال باشد و حتما در کنار وی خانواده اش از ایثار و فروتنی فراوانی بهر مند باشند که خیلی از خواسته ها و آرزوهای عادی که هرکسی در جامعه حق دارد از آنها برخوردار باشد، چشم بپوشند.
هدف از این مقدمه ای که عرض نمودم آن نیست که نگاه خوانندگان را به گلایه یاحسینی از مرکز ایران شناسی مرکز بوشهر، و مسئله اش با بوشهر شناسی جلب نمایم، بلکه قدر مسلم بوشهر شناسی هم هدف ها و وظیفه های خود را بدرستی عمل نموده که نتیجه آن شکوفایی و پربار کردن بیشتر تنه و شاخ در خت تاریخ و فرهنگ این بندر می باشد وزحمت و خدمات آنها نیز قابل احترام و تحسین میباشد.
مشکل مالی نویسندگان و پژوهشگران نه موضوع تازه ای است و نه تا امروز برایش راه حل مناسب و رسمی به وجود آورده اند و اگر هم منبع مالی موقتی پیدا شده بدون تبعیض ویا اجرای قانون برتری روابط بر ضوابط نبوده، عملی صورت نگرفته است و همیشه این قشر علمی جامعه بایستی با مشکلات اقتصادی معیشتی و حرفه ای دست و پنجه نرم کنند و تاسفناک تر آنکه گاهی قشر فرهنگی در حق یکدیگر کم لطفی هم می کنند که دور از فرهنگ ایرانی است.
می بینیم تیم ها وهیئت های ورزشی که هزینه ای صدها برابرهزینه های مالی پژوهشی دارند و از طرف شرکت ها و ادارات دولتی و خصوصی حمایت مالی می شوند و آخر فصل هم نتیجه قابل قبولی بدست نمی آورند (البته در مورد بحث بایستی متذکر شوم با دانستن به علم این هدف که هزینه کرد در مورد مسائل ورزشی ربطی به نتیجه برد و یا باخت اهمیت چندانی ندارد و بلکه ایجاد زمینه راه اندازی و ادامه دادن به مسائل ورزشی که سایر نسلها و بخصوص نسل جوان یک جامعه را شاداب وسرگرم تفریح مفید نماید و در سطح داخل کشوری و بین المللی شاهد درخشش انها در سایر رشته ها باشیم و این موضوع مهم و با اهمیتی است که هر برای هر ملتی برای تقویت آن می کوشد) اما چرا نمی شود برخی از فرهیختگان استانمان را که آثار و تلاشهای آنها در عرصه های گوناگونی برجسته و موفق هستند همچون تیم های ورزشی و دیگر موارد از طرف شرکت های بزرگ دولتی و خصوصی تامین امکانات مالی و معنوی نماییم. با توجه این حقیقت که هزینه نمودن تامین احتیاجات پژوهشگران و فرهیختگان از هزینه خیلی کمتری برخوردار است و ارزش یک کتاب هیچگاه موقت و یا متعلق به یک دوره خاص نیست و حتی شرکت و یا اداره حمایت کننده می تواند تبلیغات و موفقیت های خود به قشر فرهنگی و باسواد را عرضه نماید.
آخر کلام آنکه اگر قانونی برای حمایت مالی اهل قلم در کشور وجود دارد بایستی با قدرت هرچه تمام تر و بدون یک ذره تبعض فکری و سیاسی و منطقه ای به اجرا گذاشته شود ویا اگر نیست بایستی از نخستین شروط وخواسته های جدی وپیگر و کتبی اهل قلم و سایر مردم از کاندیداهای نمایندگان مجلس و یا ریاست جمهوری و یا هر ارگان دولتی باشد. این حق و وظیفه یک جامعه است که بزرگانشان را با حمایت مالی و معنوی مورد احترام قرار دهند.

ماجرای یک تصادف ؛ پرسشی از راهنمایی و رانندگی بوشهر

رضا سیاوشی



در ساعت ۶ بامداد روز پنج شنبه مورخه ۲۱ /۸ /۸۸ ،راننده خودرو سواری پرایدی جهت خروج خودرو پارک شده ی خود و بخاطر اینکه موتورسیکلتی جلو خودرو وی پارک نموده بود به ناچار با حرکت روبه عقب می خواست خودرو خود را از منطقه پارک شده خارج نماید اما بدون توجه به اطراف و بخصوص پشت خودرو، و دیگر اینکه در شیشه عقب خودرو خود هم پرده نصب نموده بود با موتورسیکلت اینجانب برخورد نمود. هرچند که من از جانب احتیاط رعایت حد فاصل لازم را نموده بودم ولی متاسفانه حادثه رُخ داد و برهمین حسب و با توجه به ماده ۲ قانون رسیدگی به خسارات ناشی از تصادفات رانندگی به وسیله نقلیه موتوری که آمده است: «قانون کاردان های فنی راهنمایی و رانندگی و پلیس راه که برای رسیدگی به امور تصادفات رانندگی تعیین می شوند مکلفند علت وقوع تصادف و چگونگی آن را صریحا با تشریح وضع محل تصادف در صورت مجلس قید و میزان خسارت وارده به وسیله نقلیه را اعم از هزینه تعمیر و کسر قیمتی که در نتیجه تصادف حاصل می شود معلوم نمایند، در صورتی که تعیین میزان خسارت در محل ممکن نباشد می توان آن را موکول به بازدید بعدی در تعمیرگاه نمود مندرجات صورتمجلسی که به طریق فوق تنظیم می گردد معتبر است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود»، از طریق پلیس ۱۱۰ موضوع را به اطلاع اداره راهنمایی و رانندگی رساندیم، هرچند که کاردان یا کارشناس فنی با یکساعت تاخیر به محل حادثه که نرسیده به میدان بهشت صادق بود خود را رساندند، اما بعد از اینکه راننده پراید را مقصر تشخیص دادند، عنوان نمودند که چون خسارت زیر ۳۰۰ هزارتومان است احتیاج به کروکی نیست و هردو به اداره بیمه مراجعه نمایید. ضمن اینکه مدارک ما را معاوضه نمود و وقتی که از وی پرسیدم؛ ایشان مقصر می باشند چه دلیلی بر تحویل مدارک من به وی می باشد؟ پاسخ دادند که این یک رمز بین ما و اداره بیمه است!!
حال اینجانب بعنوان یک شهروندی که آشنایی با قانون نداشته از شما مقام مسئول محترم جهت آگاهی خود و روشن شدن موضوع برای شهروندان در صورت اتفاق حوادث مشابه می پرسم ؛که کارشناس محترم آن اداره با توجه به کدام بند قانونی چنین مطلبی عنوان فرمودند و دیگر اینکه آیا تحویل مدارک اینجانب به راننده پراید (که مقصر شناخته شد) طی بخشنامه یا بند قانونی صورت گرفته است؟ در آخر ضمن سپاس از شما و همکارانتان در ارائه خدمات به شهروندان جهت برقراری نظم و انضباط که قطعاً مستلزم همکاری و رعایت قوانین و مقررات توسط شهروندان نیز می باشد و امیدواری برای داشتن شهری منضبط و منظم برایتان آرزوی موفقیت دارم.
از آنجایی که حادثه خبر نمی کند و هر لحظه ممکن است اتفاقی حاصل شود اما اگر دقت و پیشگیری لازم انجام دهیم بدون تردید میتوان از خیلی حوادث و اتفاقات ناگوار جلوگیری بعمل آوریم و با توجه به موضوع فوق میتوان به چند نکته آموزشی و رعایت احتیاط در آینده متذکر گردید:
۱ – توجه و دقت در رانندگی بخصوص هنگامیکه ماشین را به عقب به حرکت در می آوریم حتماً باید توجه داشت که چیزی پشت ماشین نباشد بخصوص بچه ها.
۲ – رانندگانی که جهت زیبایی و یا عدم تابش آفتاب به داخل خودرو خود پرده هایی را بخصوص در شیشه عقب نصب می نمایند میبایست قبل از حرکت دادن خودرو توجه و دقت بیشتری انجام دهند.
۳ – رعایت حد فاصل با خودرو در حال حرکت و یا پارک شده جلو.
۴ – توضیح و تعریف ماده قانونی توسط پلیس برای آگاهی و اطلاع شهروندان در محل حادثه.
۵ – حضور بموقع و سریع پلیس جهت احترام به شهروندان و جلوگیری از حوادث دیگر.

خاطرات دیروزها

معلم، کاکاجان

ابوالقاسم محمدی باغملائی



همه روز، روز تو باد
نام تو در ذهن سپید کودکیم بر جای مانده، و اگر بگویم هیچ نامی به زیبائی نام تو در خاطرم جای خوش نکرده گزاف نگفته ام.
کاکاجان
دلم می خواد هر روز صبح صدایت کنم. مثل روزهای کودکیم که سر کلاس، دفتر کلاسی را پیش رویت می گشودی و صدایم می کردی. الفبای فارسی و کوچک و بزرگ بودنشان را از تو آموختم.
هنوز در خاطرم رژه می روند آن کلام شیرین ودل نشین تو.
دوچرخه ات هم یادمه، همان دوچرخه ای که موتوری کرده بودی و بچه های مدرسه نامش تِرتِری گذاشته بودند. راستی، هر چه دوروبرش می پلکیدم سر در نمی آوردم که چگونه دوچرخه ات موتوری است که تِرتِر می کند.
آخر دیده بودم آنکه بر دوچرخه سوار می شد پا می زد و می رفت و تو بی پا زدن می رفتی.
و چه زود گذشت کودکی من و معلمی تو. یاد داری. آن روز که «حیوانات اهلی» را درس داده بودی؟ برایت از بر می خواندم و چه شیرین بود روزی که بازرسی آمده بود. آقای بلادی را میگویم. سید ضیا را. دستم گرفتی و پای تخته سیاه آوردی، گفتی بخوان! و گفت: کتابش کو! جواب دادی. همه را از بر می خواند. وقتی خواندم بازرس مات و مبهوت، حیرت زده صدای مدیر زد. با یه چشم بهم زدن. خط کش چوبی، کاربُن، جوهر پلیکان، ورق امتحانی، برگه های خشک کن جوهر، دفتر ۵۰ برگی و از همه دل چسب تر مداد رنگی دو سر رنگ.
بغلم پر شد از یه عالمه جایزه.
و آن روز سر چهار راه حوادث همدیگر را دیدیم. نه تو مرا شناختی و نه من تو را باور کردم– تو میلرزیدی و من هنوز به حرمت معلمی ات می ترسیدم.
پیر شده بودی و من نیز. هردومان بازنشسته. تو از خاطرات جفره گفتی و جفره ای۱ و من از کلاس دوم و «حیوانات اهلی» و هم کلاسی هائیکه، روزگار بی رحم، رحمشان نکرد و خاطرات کودکیمان را که شخم زده بودند و گندمزاری که دیگر نمی روئید تا رقص موج و بادش به تماشا بنشینیم.
از باغ شیخ ابول گفتی و باغملا. از کوچ ناخواسته و اجباریشان. از پائیز و روزهای کُناربرون، از زمین های سرسبزی که من و تو دیگر سبزی اش از یاد برده بودیم. و دشتهای پر گل دور برعمارت۲ حاج رئیس، از بی بی زلیخا و کُنارهای وَهم انگیزش. از باغ سیّدا ۳و روزهای سیزده بدر و انبوه جمعیت سیزده رو. از مهربانی گفتی و همدلی. از صفا گفتی و یک دنیا همجوشی مردم و از سوختن گفتی و من نیز.
باور نمی کنم که چه زود گذشت معلمی تو و کودکی من.
کاکاجان
باور کن با ورودت به مدرسه چه شوق و ذوقی می کردیم. مگر در میان راه منزلتان تا مدرسه، از میان آن خنکای دل نواز بابل و کُنارهای بُن در بُن چه چیزی تقسیم می کردند که تو آنگونه شاداب و سرحال و سرمست، هر روز صبح انگار شرابی کهنه سر کشیده بودی؟
راستی، آن همه سرمستی را از کجا به کلاس درس می آوردی؟ که من هر چه گشتم و میگردم، نمی یابم آن شهد کلام و آن سرمستی و شراب کهنه را؟!

۱– مرحوم محمد جعفر جفره ای مدیر دبستان فروغی
۲– عمارتی با مساحت ۲ هکتار در غرب باغملا که به تصرف نیروی هوائی درآمد و تخریب شده
۳– باغی پارک گونه در وسط باغملا و مخ بلند که به تصرف نیروی هوائی درآمد

پیامبر ما چنین بود و چنین گفت (۸)

پیامبر(ص) مزد نمی خواست

حجت الاسلام والمسلمین محمد فولادی



پیامبر اسلام به ازای تبلیغ و رسالت دینی خود از مردم انتظار مزد و اجر و پاداش نداشت و زندگی خود را از دست رنج خویش اداره می کرد. و این روش و سیره ی همه ی پیامبران الهی بوده است که به صراحت به مردمی که به دین الهی فرا می خوانند بگویند: ما از شما مزدی نمی خواهیم بلکه مزد ما با پروردگار است.
«و ما اسألکم علیه من اجر ان اجری الا علی رب العالمین»
و بر این پیامبری از شما مزدی نمی خواهم، مزد من جز بر پروردگار جهانیان نیست. (سوره شعراء۱۰۹.)
هیچ پیامبری نگاهش به دست مردم و پیروان خود نبوده است و سر حریت و آزادگی شان نیز همین استقلال در معیشت و وابستگی و توکل شان تنها بر خداوند بوده است.
پیامبران و درست کرداران به هر چیزی که رسیدند جز به سبب قطع طمعشان نبوده است.
وای بر منت پذیر خوان غیر
گردنش خم گشته ی احسان غیر (کلیات اقبال لاهوری/ ص۱۸.)
پیامبر(ص)در کارهایی جزئی نیز خود انجام می داد و به دیگری واگذار نمی کرد.
«کان یخیط ثوبه، و یخصف نعله، و کان اکثر عمله فی بیته الخیاطه» (ربیع الانوار/ ج۳/ ص۲۰۵.)
رسول خدا(ص) لباس خود را می دوخت، و پای افزار خود را پینه می زد و بیش ترین کاری که در خانه انجام می داد در زندگی بود.
عائشه:«کان یفلی ثوبه، و یحلب شاته، و یخدم نفسه»
لباس خود را پاکیزه می کرد، و گوسفندش را می دوشید، و کارهای خود را انجام می داد. (مسند احمد بن حنبل/ ج۶/ ص۲۵۶.)
در حدیثی دیگر آمده است که: رسول خدا(ص) در سرای خود در خدمت خانواده اش بود، لباس خود را پاکیزه می کرد، گوسفندش را می دوشید، جامه ی خود را وصله می کرد، پای افزار خویش را پینه می زد، خانه را جارو می کرد، شتر را می بست، و شتر آبکش را علوفه می داد، با خدمتکارش غذا می خورد، و با او آرد خمیر می کرد، و کالای خویش را از بازار خود حمل می کرد.
(الشفا بتعریف حقوق المصطفی/ ج۱/ ص۱۷۱. – و مناقب این شهر آشوب/ ج۱/ ص۱۴۶.)
پیامبر(ص) در سفر با یاران خود، حتما دست به انجام کاری می زد و مسئولیت خود را بر دوش دیگران نمی انداخت. چنانکه در سفری، برای تهیه غذا قرار بر این شد که گوسفندی را ذبح کنند. و یکی از اصحاب عهده دار کاری گردید. یکی گفت: بریدن سر گوسفند با من. دیگری گفت: پوست کندن آن با من و سومی گفت: پختن آن با من. پیامبر(ص)فرمود: جمع کردن هیزم نیز با من. اصحاب گفتند: ای رسول خدا! ما خودمان کارها را انجام می دهیم، شما زحمت نکشید. حضرت فرمود: «قد علمت انکم تکفونی و لکنی اکره ان اتمیز علیکم فان الله یکره من عبده ان یراه متمیزا بین اصحابه»
می دانم که شما کار مرا انجام می دهید ولی من دوست ندارم که امتیازی بر شما داشته باشم، زیرا خداوند دوست نمی دارد بنده اش را در میان یاران خود متمایز ببیند. پس برخاست و برای جمع کردن هیزم به کار مشغول شد.
(داستان راستان/ استاد مطهری/ ج۱/ ص۱۲ به نقل از کحل البصر/ ص۶۸).
پیامبر(ص)هرگز دوست نمی داشت سربار دیگران باشد و می فرمود:«کلوا من کد ایدیکم»از دسترنج خود بخورید. (بحارالانوار/ ج۶۶/ ص۳۱۴.)
پیامبر سفارش می کرد که هر کسی باید حرفه ای و کاری داشته باشد که با آن زندگیش را اداره کند و الا محیور خواهد بود که از راه دینش امور زندگیش رابگذراند وچنین کسی از چشم پیامبر(ص)می افتاد.
پیامبر(ص)می فرمود: «لان المؤمن اذا لم یکن له حرفه یعیش بدینه» (جامع الاخبار/ ص۱۶۲.)
پیامبر(ص)می فرمود:«من اکل من کد یده حلالا فتح له ابواب الجنه یدخل من ایها شاء» هر که از دسترنج حلال خویش معاش خود را تامین کند درهای بهشت بر او گشوده شود تا از هر یک که خواست داخل گردد. (جامع الاخبار/ ص۱۶۳.)
پیامبر(ص)و امامان معصوم(ع) کار می کردند و زندگی خود را می گرداندند. و آزادانه بدون ترس و طمع از دین و حقیقت می گفتند و دل و دستشان نمی لرزید چون محتاج دیگران نبودند. انسان محتاج زبانش لکنت دارد و قلم و قدمش سست خواهد بود و حریتش ستانده می شود و برای همین است که مردم در برخی از مواقع در تاریخ از بسیاری از متولیان و مبلغان، مفسران، مفتیان و روحانیان دین آنگونه که انتظار دارند در صحنه های حساس و لازم، حضور و ظهوری داشته باشند برآورده نشده، چون دست و پایشان در جایی دیگر به وسیله ی قدرت و ثروت و ترس و طمع بسته شده است.
به فرمایش امام باقر(ع):«اطلب بقاء العز باماته الطمع»
ماندگاری عزت را با میراندن طمع بخواه. (تحف العقول/ ص۲۰۸.)

گر ترازو را طمع بودی به مال
راست کی گفتی ترازو، وصف حال
گر طمع در آیینه برخاستی
در نفاق آن آیینه چون ماستی
هر نبیی گفت با قوم از صفا
من نخواهم مزد پیغام از شما
من دلیلم حق شما را مشتری
داد حق دلالیم هر دو سری

(مثنوی معنوی/ دفتر دوم ابیات۵۷۴–۵۷۷.)

توسط انجمن اهل قلم و خانه مطبوعات بوشهر برگزار شد:

کنگره شعر منوچهر آتشی





آخرین پنج شنبه و جمعه ی آبان ماه از سوی انجمن اهل قلم و خانه مطبوعات بوشهر و با همکاری تعدادی از روزنامه نگاران، شاعران و نویسندگان استان، نخستین کنگره ی شعر منوچهر آتشی با حضور خیل اهالی قلم، هنر و مطبوعات استان های بوشهر، تهران، فارس و خوزستان و نیز جمع کثیری از شیفتگان آتشی بزرگ در سالن اجتماعات مجتمع فرهنگی – هنری بوشهر برگزار شد.

روز نخست، پس از تلاوت قرآن و پخش سرود جمهوری اسلامی، نبی دهقان – مجری توانمند مراسم – از دکتر سید جعفر حمیدی برای خوشامدگویی به حضار دعوت کرد. سپس علی هوشمند، غلامحسین پرتابیان و حسن اجتهادی سروده های خود را قرائت کردند. در پی، دکتر بهرامیان – شاعر و استاد دانشگاه – پیرامون عدم مرزبندی بین شعر کلاسیک و معاصر و ضرورت توجه به جوهره و ارزش شعر بدون توجه به قالب به سخنرانی پرداخت. پس از پذیرایی،گروه ۹ نفره ی تنبک نوازان به سرپرستی رشید شاه حسینی به هنرنمایی پرداختند و آن گاه علی قنبری – شاعر و از داوران بخش آزاد – سخنانی ایراد کرد. سپس زری شاه حسینی، رضا زارعی و نجمه طاهری به قرائت اشعار خود پرداختند.

در بخش دوم مراسم از شاعر و روزنامه نگار برجسته ی استان امید غضنفر تجلیل به عمل آمد. در این بخش همراه با شعرخوانی حسین عسکری – شاعر و روزنامه نگار –، رضا معتمد – شاعر و مدیرمسؤول هفته نامه پیغام – و حسین حشمتی – روزنامه نگار پیشکسوت – پیرامون زندگی و فعالیت های ادبی و مطبوعاتی امید غضنفر سخنانی ایراد کردند.

سپس از سوی محسن شریف دبیر کنگره، انجمن اهل قلم، خانه ی مطبوعات، انجمن دوستداران حافظ بوشهر، هفته نامه های نسیم جنوب، نصیر بوشهر، پیغام، پیام عسلویه، بیرمی، گرافیک نی لبک و آقایان جهان بخشان، قیصی زاده، حشمتی، مهرزاد رئیسی نژاد، طالب هاشمی، حسین عسکری و خانواده های زنده یاد قاسم مهدی زاده و غضنفر هدایایی به وی اهدا شد.

روز دوم کنگره با سخنرانی محسن شریف – دبیر کنگره – آغاز شد. سپس ابوالقاسم ایرانی و ایرج شمسی زاده – دو تن از شاعران پیشکسوت استان – به شعرخوانی پرداختند. آن گاه مجید اجرایی به سخنرانی پرداخت و در پی کتایون ریزخراتی و محمد صالح سلطانی سروستانی به قرائت اشعار خود پرداختند. پس از شعرخوانی، مهدی جهان بخشان طنز خود را قرائت کرد. سپس فیلمی با موضوع مروری بر زندگی استاد آتشی با صدای امید غضنفر پخش شد که توسط خورشید فقیه تهیه و تدوین شده بود. پس از پذیرایی، اجرای موسیقی سنتی با هنرمندی وزان، حق پرست، انصاری و حیدری توجه حضار را به خود جلب کرد. در ادامه سعید مهیمنی سخنانی ایراد کرد و آن گاه اردشیر رستمی – شاعر و کاریکاتوریست – و مریم حقیقت به قرائت اشعارشان پرداختند.پس از شعرخوانی، نوبت به قرائت بیانیه ی هیأت داوران رسید که از سوی علی هوشمند – از داوران بخش کلاسیک – قرائت شد.

در پایان با اعلام اسامی شاعران برگزیده، لوح تقدیر، جوایز و تندیس کنگره به شاعران برگزیده و برتر اهدا شد.

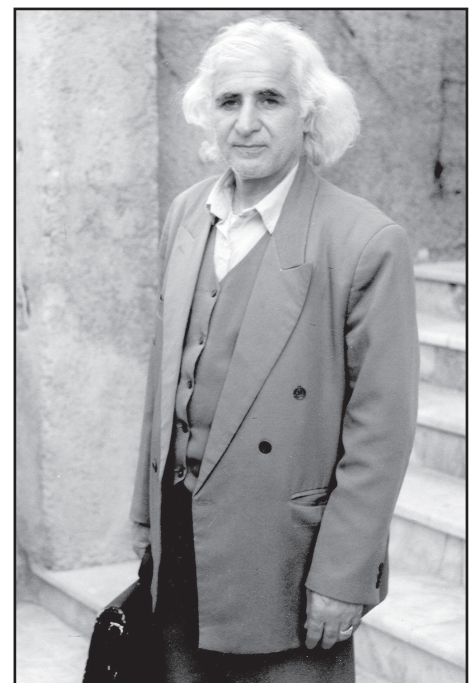




از قلندرخونه تا قُلدرخونه!

«یادداشتی در حاشیه ی جشنواره ی بیست و یکم تئاتر استانی»

علی غلامی



جانم براتون بگه که از بوشهر زنگ زدند و گفتند که آب دستته بذار پایین و حرکت کن که بیست و یکمین جشنواره تئاتر قراره برگزار بشه و تو افتخار داوری نصیبت شده... چشماتون روز بد نبینه و پاتون جایی که غم و غصه است باز نشه هیچ وقت! با وجود تمام مشکلاتی که بیخ گردنمو سفت چسبیده بود؛ از وابستگی های مردسالاری تو خونواده گرفته تا نگهداری از دختر مطلقه و نوه های دوست داشتنی و داماد سرخونه و زایمان اون یکی دختر و بی بندوباری این یکی پسر، وقت دکتر و احضاریه دادگاه و تمرین نمایش و آه در بساط نداشتن و هزار گرفتاری دیگه، چون وقت این دست و اون دست کردن نبود، خودمو به آب و آتیش زدم و لیوان آب رو سر کشیدم و یـــه قلپ آب دیگه هم روش، بادی انداختم به غبغب و افسار اسب خونواده رو سپردم دست شمر و آلاخون والاخونی رو به جون خریدم و راهی سفر شدم، که چی...؟ که هم با دیدار تیر و طایفه تئاتر جیگر سال ها خون شده مو جلا بدم و دل پرپر شده و سوخته مو پس بگیرم و هم اون رو صابون بزنم که به قول نعره زن و نفس کش طلب جشنواره یکی دو تا سکه ناقابل نیــز دشت کنم. و البته از آب روغنم کره بگیرم، یعنی با یه تیر سه نشون بزنم، حیا رو بخورم و آبرو رو قی کنم. توی راه با خودم بلغور می کردم که خدا سایه ی بانی و باعث این سفر رو از سر ما کم نکنه، درد و بلاش بخوره تو کاسه ی سر اونایی کـه چشم دیدن خونواده تئاتر رو بخصوص منو ندارن... تا کور شود هر آن که نتواند دید.

توی این رؤیا سیر می کردم که وای چه می شه، همین که پامو از ماشین بذارم پایین و آفتابی بشم عطر و گلاب و منقل اسفند و دوده که دست به دست می شه و پارسال دوست ها و امسال آشناها از اونــایی کــه حــق شاگــردی گردنم دارن و اونایی که حــق استادیم بیــخ و بالشونه می یـان بــه استقبالم و کلی شرمنده ام می کنن، خاطرخواه ها از نثار آغوش گرمشون و ردوبدل ماچ و بوسه های عاشقانه شــــون و پیشکش تاج گلاشون و حتا ممکنه از فشار شونه هاشون صدای چرق چروق استخونام بلند شه...

توی مجتمع از ماشین که پیاده شدم، دلم قیلی ویلی می رفت و توی پوستم جا نمی گرفتم. چشامو مثل لنزای یه دوربین فیلمبرداری چرخوندم چپ و راست و بالا و پــاییــن مجتمع، همه جا سوت و کور بود. انگار محیط خلوت یه قبرستون کهنه! خوب نگاه کردم، نه اشتباه نمی کردم گنجشک پر نمی زد. یه لحظه احساس تنهایی اومد سراغم که ناگهان یکی ازمسؤولان تئاتر که تازه از راه رسیده بود اومد طرفم... سلامی و علیکی و حرکت به سمت سالن نمایش، گویا سر بزنگاه رسیده بودم، یعنی درست موقع اجرای اولین نمایش جشنواره... بعد از چاق سلامتی با یکی دو تا آشنای دیگه رسیدیم به محوطه بیرونی سالن. چشام باز شد، بدک نبود عده ی زیادی اون جا جمع شده بودند، اما هرچی چشم چشم کردم یه آشنای دیرینه بینشون ندیدم... از قدیمیا و از آشناها



کسی دیده نمی شد. دلم همــون موقع می خواست هزاره بره، تو پیچ و خمای گذشته تئاتر بوشهر، اما به خودم نهیب زدم که عجله کار شیطونه، حوصله کن... و همین کارم کردم و فعلاً به روی خودم نیاوردم... جماعت غریبه ی حاضر بربر نگاهم می کردن و من مونده بودم که چه کار کنم تو این جمع برای مــن غریب...! من برای بوشهر غریب شده بودم یا بوشهر برای من...؟! اما پس قدیمیا کجان؟ آشناها چرا خودشون رو نشون نمی دن؟ اون خیلی هایی که تا همین چندسال پیش نبض تئاتر بوشهر تو دستشون بود و هر کدوم خودشون یه نمایش بودن و من گذشته پررنج خودمو تو وجود اونا احساس می کردم، تو نگاه هاشون، تو فکراشون و تو دستاشون و تو موفقیتاشون ثمره ی یک دهه رنج و مشقت و عشق به تئاتر رو حس کرده بودم... اما حالا ازشون خبری نبود، حتا به عنوان یه تماشاگر تئاتر...! و به عنوان دیدار یه دوست فراموش شده، نه بیشتر... از همون روز اولِ جشنواره انگار استخون مرده توی سفره تئاتر بوشهر انداخته باشن! بعد از دیدن نمایشای روز اول و گرفتن جدول نمایشای شرکت کننده در جشنواره و خوندن چند تا اسم ناآشنا برای من غریب، گوشی اومد دستم... به خودم گفتم این رو می شه به فال نیک گرفت، خب چه عیبی داره که جوونای مستعد و پُرانرژی تازه کار میدون دار تئاتر باشن..؟ اما به مرور یعنی روزای دیگه جشنواره متوجه شدم کـه موضوع این نیست؛ دریغ از یه نمایش قابل تأمل و تحمل...!! در رابطه با دید و بازدید و توقع نابجای ملاقات اونــایی کــه یــه زمــانی بــرام ســر و دســت می شکوندن، همان شب با خودم خلوت کردم: آخه حیف نان، خجالتم خوب چیزیه، مگه همه مثل تو هستن که یه عمر خودتو خاکسترنشین تئاتر کردی؟! هر چه خاک تئاتره عمرتو باشه عزیزجان، از این خبرا نیست، خدا تو و تئاتر رو به پای هم پیر کنه. خدا روزیتو جای دیگه مثلاً تو آبادان حواله کنه، دکون تئاتر تو دیگه تو بوشهر تخته شده و حنات پیش غریبه و آشنا و شاگرد و استاد رنگی نداره!

چه توقعی داری؟ انگار حساب از دستت در رفته، این روزا اگه کسی هم هوای سواری گرفتن از وجود تو رو داشته باشه، به اسب دیروز تو که توی صحنه ی تئاتر مـــی تــاخت می گه یابو...! اون وقت توقع داری به عنوان دوست بیان بگیرنت رو دست و حلواحلوات کنن...؟ خیلی غافلی، نخیر عزیز من... اون ممه رو لولو برد... خدا تئاتر و هـــر چی از گذشته اون مونده به تو ببخشه... هر چی یادگاری داری بذار دم کوزه آبشو نوش جان کن...!

باشه، غمی نیست، خر ما از کرکی دُم نداشت، گذشته رو فعلاً وللش، نقد رو می چسبیم، ببینیم این قوم مدرن چی دارن... این قدر پیاز داغشم زیاد نکن، دیگه از گذشته و عشق و حق استاد و شاگردی، چـــراغ روشن آینده، طلبکاری و بدهکاری و نسیه و... حرف نزن که کلاهمون تو هم می ره... فهمیدی...؟

– اطاعت، رو تخم چشام... امر امر شماست، اونور دل صاحب



مرده...

آقایی که شما باشید، اونور دل ما هم درست می گفت و هم اشتباه می کرد، درست به خاطر این که روز اختتامیه بعد از دریافت بولتن جشنواره، فهمیدم که توی بوشهر دیگه حتی آشناهای مدعیم منو نمی شناسن، اونا غریبه ها رو که براشون تازگی داشت مثل بادمجون دور قاب چینا، خوب می تونستن با مراجعه به اینترنت و در آوردن خلاصه زندگینامه شون معرفی کنن و عکسای بزرگ یه صفحه ای ازشون چاپ کنن، اما در مقابل از من آشنا که خوب می شناختن، و اگه هم نمی شناختن که گویی این طور بود از توی همان اینترنت می تونستن حداقل اســـمو در بیارن، عکس و بیوگرافی ارزونی خودشون، تا حداقل شرکت کننده های جشنواره بدونن کـــه داور سومی هم وجود داشته، مگر این که قصد دیگه ای توی کار بوده که البته کم و بیش یه ریزه این عمل بودار نشون می ده...

خب، در هر صورت من نوعی فهمیدم کـــه داورای از مرکز اومده ارزششون بیشتر از خودی های بومی است و حنای من به قول اونور دل صاحب مرده دیگه رنگی نداره برای آشناها... و اما اشتباه به این دلیل که روز اختتامیه و بعد از اون، تئاتری های قُلدر نوچه ی نفس کش طلب شون رو از همون اول اختتامیه تیر کرده بودن که جشنواره رو بهم بریزه و جانانه از آشنای متوقع فراموش شده با ناسزا و تهدید استقبال کنه...

کیه که فکر می کنه تئاتری های بوشهر جشنواره زده نشدن و کیه که خیال می کنه حنای یه آشنای غربت زده دیگه رنگی نداره؟ اگه بین قدیمیا رنگی نداره، حداقل بین تازه واردای مدعی رنگ که داره هیچ، عزت و حرمتم داره... ببخشین که بیراهه زدم، لازم بود دلیل بیارم که دیروز کجا و امروز کجا... این که یه چیزی من می نویسم یه چیزی شما می خونین، تو این سه چهارروزه هر روز بــه امید روز بعد و دیدن یه کار خوب سر کردیم و طعنه و کنایه های داور از مرکز مأمور شده را تحمل که از پیشنیه تئاتر بوشهر اگر بیشتر از ما نمی دانست کمتر هم بی خبر نبود. شبا خواب به چشمانم نمی رفت و چند ساعتی هم که پلکهام می رفت رو هم، کابوسای پریشان تئاتری می دیدم، گویی امثال ما قدیمی ها را به خاطر افت تئاتر امروز بوشهر مؤاخذه می کردند. وقتی صحبت از یک تئاتر خوب و قابل تأمل و تحمل می زنیم، منظورمان نمایشی است که همه عوامل اون، از متن و کارگردانی و بازیگری و طراحی صحنه (که عوامل اصلی ان) گرفته تا عوامـل فرعی، مثل موسیقی و نور و افکت و لباس و گریم و بروشور، همه یکپارچه، دارای وحدت و تأثیرگذار باشن؛ نمایشی که حرفی برای گفتن داشته باشه، متنش دارای ساختاری قوی و از جهت مفهوم به روز و نو باشه. نویسنده مضامین تکراری را دست مایه پرداخت نکرده باشه، از روی متون خارجی کپی نشده باشه، و چه بهتر که با فرهنگ و آداب و رسوم منطقه خودمان



سنخیت داشته و در قالبی نو بیان بشه. کارگردانی نیز تجربه ای است که به خلاقیت هنرمند بر می گرده و البته رعایت اصولی فنی که بیگانه با ذهن و توان خلاق هنرمند نیست. تجربه ای خلاق که با مخاطب تنگاتنگی نزدیک داره. همه این ها با تجربه و به مرور زمان حاصل مـــی شــــه.

کارگردان در یک نمایش عقل کلیه که باید همه عوامل اصلی و فرعی نمایش را که نام بردیم بشناسه و در جهت کاری نو یکپارچه و گیرا و اثرگذار به خدمت بگیره. کـارگردان بـــاید حتا مخاطبش را هم بشناسه...

بازی گردانی، بازی گیری، بازی سازی و راهنمایی بازیگر با حرکت های در خـــور توجه و منطقی در کل فضای نمایش جزو وظایف کارگردانه. همه چیز در نــــمایش باید در خدمت موضوع باشه. ضعف در هر قسمت یعنی ضعف کارگردانی... برجسته کردن و انتقال مفاهیم پوشیده و به ویژه ناپوشیده مضمون متن از طریق همه عوامل نمایش وظیفه خطیر یک کارگردان فهیمه. نمایشی که با مخاطب ارتباط برقرار نکنه و او را سر در گم و خسته کنه، مطمئـناً دارای ضعفه. بازیگری هم علاوه بر یکسری اصول معین به خلاقیت و قوه تخیل و البته به ذات و فطرت بازیگر بر می گرده. فیزیک و روح (حس صحیح)، بیان گیرا و درست، مناسب با شخصیت نمایش و درک نقش با تمام وجود از جمله خصوصیات یک بازیگر خوبه. طراحی صحنه تنها چیدن دکور و ساختن فضای مکانی و وسایل غیر قابل استفاده در صحنه نیست. هر دیالوگ بازیگر و هر حرکت او و حتا استفاده از نور و افکت و لباس و موسیقی نمایش باید در خدمت طراحی صحنه باشه و این ها همه باید با یکدیگر و با مضمون نمایش هماهنگی داشته باشن. موسیقی هر چند جذاب و فنی از همه نظر اگر در خدمت کار و مضمون و طراحی صحنه و حرکت بازیگران و فضای نمایش نباشه، نمی توان به عنوان موسیقی آن نمایش به اون نگاه کرد. موسیقی باید چنان در بافت یک نمایش گره خورده باشه که حتا به طور جداگانه به عنوان موسیقی دل انگیز به گوش ننشینه. جمع کردن تعدادی وسایل پیشرفته موسیقی و نواختن آهنگی دلنشین که با نمایش بیگانه است را نباید به نام موسیقی آن نمایش در نظر گرفت. سایر عوامل هم به عنوان هنری در خدمت نمایش باید دارای این توانایی باشن و به بهتر شدن نمایش در جای خود کمک کنن.

بله؛ داشتم عرض می کردم و چون قدری وارد بحث آموزشی و فنی کلی کارها شدم از اصل بیان دور شدیم... عارضم خدمت انور شما، تو ایـــن جشنواره ما متأسفانه یک نمایش خوب هم که گویای پیشنیه غنی تئاتر بوشهر باشه ندیدیم. همه کارها نسبی و ضعیف بودن... نه مثل زمانی که آب بود و آبادانی و گلبانگ مسلمانی... اونورمخالفم باز بهم نهیب زد:

– فلانی چته این قدر فریاد اناالحق می زنی؟ هی ایراد نیش غولی می گیری؟ مگه تو چند یک محلی که حرص و جوش الکی می خوری؟ تو که آرد خودت بیختی و الکت رو آویز کردی، حالا شدی آتش بیار این معرکه...؟ یک شاهی بده آش به همین خیال باش. جمع کن کاسه و کوزه تو مرد ناحسابی...!

اول می خواستم سرش داد بزنم، بعد حوصله کردم و با زبون خوش حرفمو ادامه دادم... بهش گفتم:

– جون تو یکی نباشه، به جون خودم جیگرم کبابه... باور



کنین اشکم دم مشکمه، جلـــوی اشکهامو گرفتم که قضیه تراژدی نشه... من هنوز همه حرفامو نزدم اون روی عزیز... من از آروغ مردار سنگ جمع نمی کنم، از تــوبره نمی خورم که از آخورم بخورم، می خوام همه رو به آتیش خودم بسوزنم، من دلسوخته این جمعم، هم تئاتر بوشهر به گردنم حق داره و هم من به گردن ی تئاتراین خطه حق دارم... احساس وظیفه می کنم که وضعیت نابسامان فعلی تئاتری که سال ها باهاش نفس کشیدم و زندگی کردم بیان کنم...

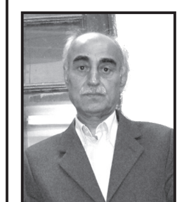
اگه می گم تئاتر بوشهر باید جان دوباره بگیره منظورم این نیست که باید تنها نمایش های خوب داشته باشیم، بلکه باید تئاتر در خور توجه داشته باشیم، جشنواره های پُربار برگزار کنیم، توی مناطـق دیگه جایزه های خوب بگیریم، به هنرمندان تئاتر آموزش های درست و صحیح بدیم، تئاتر گذشته رو همیشه پیش رو داشته باشــــیم و از یاد نــبریم پیشکسوتـا رو دور جوونای مستعد جمــع کنیم و فراموششون نکنیم، به گذشته خودمون ببالیم، جوونای باتجربه و تحصیل کرده و خون جیگر خورده رو میدون بدیم و از دست ندیم، برای اونام برنامه داشته باشیم، برای تئاتر برنامه های عملی داشته باشیم، طرح بدیم و عمل کنیم، از گروه های نمایشی درحد توانشون حمایت مالی کنیم، همه کارها و زحمات ها رو به گردن یک دلسوخته نیندازیم و تــوقع نداشته باشیم کـــه به تنهایی می تونه این بار سنگین رو به سرمنزل مقصود برسونه، دوباره انجمنای نمایش رو احیا کنیم، بین انجمنای نمایش و دانشکده تئاتر ارتباط نزدیک برقرار کنیم، اختلافای تعصبی و غیر تعصبی رو کنار بذاریم، هر کسی فکر نکنه که بیشتر و بهتر از اون یکی سرش مــــی شه، همه ارگان ها و مسؤولین هنری فکراشونو رو هم بذارن، غیبت همدیگه رو نکنیم، به خاطر جشنواره ها تئاتر کار نکنیم و به خودمون زحمت ندیم، همدیگه رو قبول داشته باشیم، و اونایی رو که می دونیم استخون خورد کردن و چیزی سرشون می شه، از دست ندیم. دنبال مدرک گرایی و جایزه و تقدیرای الکی نباشیم، هدف های خوب برای کارمون داشته باشیم، سـعی کنیم خوب ببینیم و خوب بخونیم و خوب یاد بگیریم و خوب عمل کنیم، احترام بزرگترا رو در هر لباسی و با هر پیشنیه ای داشته باشیم، حس حسادت و بغض و کینه های شخصی رو کنار بذاریم، اگه چیزی رو درست نمی دونیم با شجاعت اعتراف کنیم، تصمیم گروهی بگیریم، به اون چه اعتقاد داریم و روی کاغذ می یاریم با ایمان کامل عمل کنیم، درد همه مون مشترک باشه که هست و برای رفع این دردها و مشکلات تلاش کنیم، از کمیت ها بکاهیم و به کیفیت ها بپردازیم، همدیگه رو دوست داشته باشیم، وخیلی چیزای دیگه...!

اینا خوبه، اما کافی نیست، باید به اصل مطلب که همون مخاطب (یعنی مردم) هست نظر داشته باشیم، باید هنر را برای خودمان و برای هنر کار نکنیم، اونقدر برنامه باید ریخت و اونقدر باید تلاش کرد که مردم را که مدت هاست با تئاتر بیگانه شده اند به سالن ها کشاند، باید کاری کنیم که مردم با میــــل و اشتیاق به سالن های تئاتر بیایند. تا زمانی که جشنواره زده باشیم و تا زمانی که مخاطب اصلی هنر از ما فاصله داشته باشه، هنر ما ارزش واقعی نخواهد داشت و به قولی همان آش هست و همان کاسه... جای استخاره کردن نیست، چه شیرین چه تلخ، چه خوب و چه بد، بوی الرحمن تئاتر بوشهر بلند شده است. به جای ریختن سرمایه اصلی تئاتر در چاه، و آفتابه خرج لحیم کردن آن، به فکر آخر و عاقبت تئاتر بوشهر باشیم... باید آستین ها را بالا زد و از ریشه آغاز کرد، هم این دنیایی و هم آن دنیایی فکرکرد... جای شکرش باقی است که اگر جسم تئاتر بوشهر بیمار شده است و ناتوان، اما مغز و روحش همچنان جان دارد، باید با دمیدن روح تازه به این کالبد نیمه جان، به آن عمر دوباره بخشید.

گمونم حرف به درازا کشید و دیگران نیز وظیفه دارند در این باره مطلب بنویسند و بگویند، می گن حرف حرف می یاره، ما همه در مقابل تئاتر بوشهر مسؤولیم و بی توجهی و بی تفاوتی قابل بخشش نیست... دیگه خودتون تا تهش را بخوانید. التماس دعا...

سفرآب

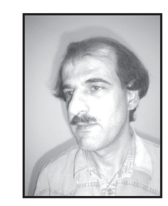
محمد آذری – تیر ۸۸ تهران



زندگی چقدر شیرین میشود
وقتی صدای مرگ می آید
می خواهی باران را
قطره قطره بنوشی
وروی شاخه ی نسترنی بنشینی
وآوازهای عاشقانه بخوانی
وهرچه نرگس دنیا ست
برسینه ات سنجاق کنی
می خواهی ساعت دیواری
هرلحظه تو را به زندگی بخواند
می خواهی بر بال پرستویی بنشینی
و دنیا را دور بزنی
و کودکان دنیا را غرق بوسه کنی
می خواهی بر لبان اندوه
گل شادی بکاری
و با رنگین کمان
پیراهنی بدوزی
و شادمانه بر تن کنی
می خواهی کنار رودخانه بنشینی
و سفر آب را تماشا کنی
می خواهی کلمه ریا و نفرت را
از کتاب ها پاک کنی
و دوستت دارم را
بجای آن بنشانی
می خواهی جبران غفلت ها کنی
می خواهی

طلوع دیگر

پرویز انبارکی



چه زیبا می شود مولود گل ها را تماشا کرد
چه زیباتر گل خشکیده را در خاک پیدا کرد

کسی گفتا گل خشکیده را هرگز طلوعی نیست
ولی گل عاقبت خود را به اذن دوست شیدا کرد

پس از خشکیدنش بار دگر در خاک رعنا شد
طلوع دیگری بعد غروب خویش برپا کرد

نشان روز محشر را میان خاک و گل بنگر
چه زیبا محشری بهمن گل لاله هویدا کرد

زمانی رخت بگشاید گلی که رخت می بندد
چو مروارید رخشان قطره ای که عزم دریا کرد

به کوهی قطره آب از چشمه ای زایید و دریا شد
که او هم بهر رفتن رخت عقبی را مهیا کرد

غروب آفتاب امشب درون حجله نیلی
شب تاریک را آبستن خورشید فردا کرد

بیا ای دل تو رخت خویش را اکنون مهیا کن
که قبل از برف سنگین بر سرت باید تقلا کرد

نم نم باران

فرح داود شیری

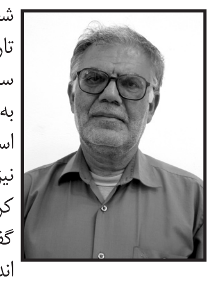


قصه های دیر وقت و غصه مادر بزرگم
وقت بازی کردن ماه و ستاره
فصل زیور بستن نخل از نم باران
فصل آواز غریب باز باران
داس های زنگ خورده
خرمن و نجوای خرمن کوب
های هوی گوسفندان وقت برگشتن به آغل ها
و هیاهوی شبان پیر در پس گله
سال های بدر عمر من
آن زمانیکه
زلف هایم را بدست باد میدادم
و رها در سبزه زاران ولایت
«چشمهایم هر چه را می دید
مثل شیر تازه می نوشید»
چیت گلدار لباس دختران ده
مهربانی های ابر و گیسوی باران
چیدان بال نسیم و کشتزار دور
همه اینها
مثل رویا از کنارم زود بگذشتند
و مرا تنها در این حسرت رها کردند

کارگاه شعر

شعر آئینی و دینی

سید محمد رضا هاشمی زاده- خورموج



شعر آئینی و دینی و مذهبی در تاریخ ادبیات ما سابقه ای هزار ساله دارد. پس از ورود اسلام به ایران و تاثیر متقابل فرهنگ اسلام و ایران این چنین شعر نیز در تاریخ ادبیات ما ظهور کرد. عموماً شعر آئینی به شعری گفته می شود که در حیطه دین و اندیشه های اسلامی و ارزشهای آن سروده شود. اما همین شعر آئینی و دینی هم در جهات مختلف مورد نقد و ارزشیابی قرار می گیرد.

۱- جنبه ای از شعر آئینی به صفات و خصوصیات و شاخص بزرگان دین و معصومین(ع) در حیطه های علمی – اخلاقی ومبارزاتی می پردازد. و آئینه صفات تمام نمای بزرگان دین اسلام است. ما در ادبیات عرب به نامهایی چون فرازدق- دعبل خزاعی- کمیت اسدی بر می خوریم. و به عنوان نمونه در ادبیات گذشته ایران به نامهایی چون محتشم کاشانی- وفایی شوشتری- وصال شیرازی- صغیر اصفهانی- مولوی – شهریار و در ادبیات معاصر به شعرائی چون- قزوه- علی معلم- احمد عزیزی- حسان- موسوی گرما رودی- سپیده کاشانی و قادر طهماسبی... می توان اشاره کرد.

۲- شعر آئینی از جنبه دیگر به تصویر سازی و مشابه سازی آیات قرآنی و احادیث می پردازد که در گذشته به بزرگانی چون سعدی- حافظ - سنایی- عطار- مولوی- پروین اعتصامی... می توان اشاره داشت و در ادبیات معاصر و امروز به شعرایی همچون قزوه- قیصر امین پور- سید حسن حسینی- عبدالجبار کاکایی- موسوی گرما رودی- زکریا اخلاقی- سپیده کاشانی. نام برد

۳- نمونه دیگری از شعر آئینی و دینی اشعاری است که فقط به ارزشها و اندیشه های دینی بطور غیر مستقیم اشاره دارد. و ارزشها را می سراید. حافظ- سعدی - مولا – سنایی- بزرگان این حیطه در گذشته شعر آئینی و در ادبیات معاصر و بخصوص امروز- قزوه- امین پور- کاکائی- هراتی- سهیل محمودی- محمد علی بهمنی- طاهره صفارزاده- موسوی گرمارودی سید حسن حسینی- را به عنوان نمونه می توان نام برد.

۴- در استان بوشهر نیز پس از انقلاب در حیطه شعر آئینی آثار ارزشمندی ارائه شده و شعرایی از نواحی مختلف استان در این زمینه آثاری منتشر ساخته اند که می توان به نامهای همچون هاشمی فرد- هوشمند- هاشمی زاده- دارند- انصاری نژاد- سمیه رسولی- دریانورد- حیدر منصوری-احمدی فر- کراماتی- جلیل دشتی مطلق و کرمی... اشاره کرد و این رو بوشهر را می توان در حیطه شعر آئینی در سطح کشور توانمند خواند و فعال.

صدها دوشنبه با دوشنبه های ادبی نسیم جنوب

بازگشت محسن شریفیان به آسمان موسیقی محلی بوشهر:

لطف مردم باعث شد که انگیزه ام برای خوب شدن، صد چندان شود



میثم قیصی زاده :
محسن شریفیان آهنگساز و نوازنده بوشهری چندی قبل دچار سانحه رانندگی شد که در این سانحه جراحات جدی برداشت. وی پس از بستری در بیمارستان اکنون به شرح آن روزها می پردازد. وی هفته گذشته در بوشهر به اجرای برنامه پرداخت و توانست با اجرای خوب خود بازگشتی دوباره به صحنه موسیقی داشته باشد. با وی پیرامون این موضوع و موضوع های دیگر به گفتگو نشستیم:

– حادثه تصادف شما چگونه اتفاق افتاد؟

– همانطوری که گفتید اتفاقی، اتفاق افتاد! بعد از اولین بارندگی که در تهران بود ماشینی که داشتیم با آن می رفتیم در ورودی خیابان اشرفی اصفهانی به اتوبان نیایش، چپ کرد و من نیز در پی این حادثه آسیب های جدی دیدم که خوشبختانه تا حدودی حل شده و یا بهتر بگم دارد حل می شود.

– آسیب دیدگی تان تا چه حدی بود؟

– مهمتر ین آسیب دیدگی من در قسمت فکم بود که فکم شکست و ۴ دندان جلوییم افتاد و همچنین دررفتگی لگن بود. این ها مهمترین آسیب دیدگی هایی بود که دیدم.

– روند درمان تان به چه شکلی بوده است؟

– بلافاصله پس از حادثه به بیمارستان حضرت رسول منتقل شدم ولی بعدها با توجه به اینکه عمل فک یک عمل حساسی است، مجبور شدم که برای عمل فک به بیمارستان دی منتقل شوم و حدود ۱۰ روز در بیمارستان بستری بودم و بقیه روزها نیز در خانه تحت درمان بودم.

– حمایت های صورت گرفته از شما در این مدت چگونه بوده است؟

– در این مدتی که این اتفاق افتاد چیزی که خیلی برای من جالب توجه بود احوالپرسی و لطف مردم بود و این موضوع باعث می شد که انگیزه من برای خوب شدن صد چندان شود. مسئولین هم به نوبه خود لطف داشتند. مدیرانی که در سطح استان هستند، آقای نصوری معاون استاندار، نماینده های مجلس و از جمله مدیران فرهنگی استان جویای احوال بنده شده بودند که جا دارد از همه این لطف ها بویژه مردم هنردوست و هنرمندان سپاسگذاری کنم. در تهران نیز آقای خبری رئیس مرکز موسیقی به نمایندگی از معاون وزیر به عیادت بنده آمد. رئیس انجمن موسیقی، معاون مرکز موسیقی و هنرمندانی که در حوزه موسیقی فعالیت می کنند و آقای افراشته که در این موضوع خیلی پیگیر بودند و خیلی از من حمایت کردند و البته خانواده و همسر عزیزم که در این چند مدت بسیار برای من زحمت کشید.

– گفته می شود که گویا ۱۵ میلیون تومان هزینه درمان، به شما کمک مالی شده است. آیا حقیقت دارد؟

تا الان از طرف هیچ کس کمک مالی صورت نگرفته و تاکنون حتی یک ریال هم از طرف مسئولین یا کس دیگری به من پرداخت نشده است. تنها خواهشی که من از مسئولین استان دارم این است که همان پولی که برای اجراهایمان از آن ها طلب داریم، به ما پرداخت کنند. چون الان ۸ ، ۹ ماه است که برنامه اجرا کرده ایم اما پولی به ما پرداخت نشده و پول هایمان معطل مانده است. اگر پول اجراهایمان را به ما بدهند کمک بسیار زیادی به ما کرده اند و ما پول دیگری نمی خواهیم!!!

تا الان از طرف هیچ کس کمک مالی صورت نگرفته و تاکنون حتی یک ریال هم از طرف مسئولین یا کس دیگری به من پرداخت نشده است. تنها خواهشی که من از مسئولین استان دارم این است که همان پولی که برای اجراهایمان از آن ها طلب داریم، به ما پرداخت کنند

– یعنی در مورد کمک مالی، اصلا قولی هم از طرف مسئولین به شما داده نشده است؟

– از طرف مسئولین استان هیچ بحثی صورت نگرفته است. البته در حد تعارف بوده که بنده هم از آنها تشکر خودم را ابراز داشته ام و لیکن آقای افراشته در این حوزه از طرف معاون رئیس جمهور و وزیر ارشاد دارد پیگیری هایی انجام می دهد. بهرحال آنجا صندوقی هست به نام صندوق حمایت از هنرمندان که قرار است از این ناحیه کارهایی صورت بگیرد. ولی تا این لحظه که من پیش شما هستم چیزی دریافت نکردم.

– شرایط کنونی شما چگونه است ؟ آیا می توانید به کار ادامه بدهید و آیا تمریناتتان را شروع کرده اید یا خیر؟

– من حدود ده روزی است که تمریناتم را شروع کردم و با گروه تمرینات خوبی داشتیم و اولین اجرایمان هم هفته گذشته بود که با گروه اجرایی در بوشهر داشتیم.

– گویا به زودی اجرای خارجی نیز در برنامه تان هست. در این مورد توضیح بدهید؟

– اولین اجرای خارجی مان از دوشنبه شروع می شود که در مسکو در نمایشگاه مبل ۲۰۰۹ از ۲ تا ۷ آذر برنامه خواهیم داشت. این اجراها با حمایت مرکز ملی فرش صورت خواهد گرفت اما اجراهای جانبی دیگری داریم که یکی هم روز ۷ آذر برای فارسی زبانان مسکو خواهد بود. البته چون ما پیش از این در دانشگاه اف چایکوفسکی و انستیتو آسیا و آفریقا برنامه هایی داشتیم پیش بینی می کنیم که اجراهای بیشتری داشته باشیم.

اولین اجرای خارجی مان از دوشنبه شروع می شود که در مسکو در نمایشگاه مبل ۲۰۰۹ از ۲ تا ۷ آذر برنامه خواهیم داشت. اما اجراهای جانبی دیگری داریم که یکی هم روز ۷ آذر برای فارسی زبانان مسکو خواهد بود

– بحث دیگری که اخیراً در حوزه موسیقی محلی مطرح شد بحث اجراهایی است که برخی از خوانندگان انجام داده و از کارهای گروه لیان استفاده می کنند که این موضوع باعث بوجود آمدن حاشیه هایی شده است. نظر شما چیست؟

–این خوانندگان، خوانندگان خوبی هستند و من به آنان احترام می گذارم و اگر به نقدهایی که از طرف برخی از آنان و یا دوستانشان نسبت به بنده جوابی نداده ام بخاطر احترامی است که برای این افراد قائلم. اما این موضوعی که شما مطرح کردید اصلاً مورد تائید گروه ما نیست و اعضای گروه نیز بارها مخالفت خودشان را در جاهای مختلف اعلام کردند و حتی با خود این افراد نیز در این مورد صحبت کرده اند. بگذارید برای روشن تر شدن مسئله مثالی بزنم. مثل این است که یک کارگردان یا نویسنده ای نمایشنامه ای را به روی صحنه ببرد و بعد از مدتی یکی از بازیگرانی که حالا نقش مهمی هم داشته به هر دلیلی از گروه جدا شود. دیگر نمی توان پذیرفت که آن شخص، عده ای بازیگر را دور خود جمع کند و همان نمایشنامه را با همان تکنیک های کارگردان قبلی و همان میزان سن ها و همان طراحی لباس و همان دکور و... اجرا کند! این در هیچ جای دنیا پذیرفته شده نیست. من امیدوارم این عزیزان به جایی برسند که بتواند کارهای خودشان را اجرا کنند و شخصیت مستقلی به گروه خودشان بدهند. اجرای آثار موسیقی در انحصار صاحب اثر است و گروه ها باید به حقوق آهنگساز و شاعر احترام بگذارند. اینکه اگر گروه دیگری بخواهد کارهای گروه لیان را اجرا بکند نه تنها مورد تائید گروه، بلکه مورد تائید یک سری از شاعرانی که با ما کار کرده اند هم نیست. شما فکر کنید هر گروهی بخواهد در اجراهایش کارهای گروه لیان را اجرا کند آن وقت خود گروه لیان در اجراهایش چه چیزی باید اجرا کند؟ ما هنرمندان خودمان باید در این حوزه به همدیگر احترام بگذاریم و قوانین حرفه ای را در این موارد رعایت کنیم. به هر حال کارفرما برای اجرای موسیقی هزینه می گذارد و این درست نیست که ما از داشته های دیگران برای این موضوع هزینه کنیم هرچند که این قوانین در ایران رعایت نمی شود ولی در غرب این موضوع با جریمه های سنگینی روبرو خواهد بود. من از اینکه هنرمندان موسیقی بومی دنباله رو آثارم باشند گلایه ندارم اما تاحدی که به شرایط حرفه ای گروه لیان ضربه ای وارد نشود.

موسیقی ملی ایران در چهارمین سالکوچ جاودان یاد "منوچهر آتشی"



اجرای موسیقی ملی ایران در چهارمین سالکوچ جاودان یاد "منوچهر آتشی" و اولین کنگره ی شعر آتشی با آواز هنرمند توانمند بوشهری غلامرضا وزان با همراهی تار حسام حق پرست،تنبک انصاری و کمانچه ی حیدری ،شعر و موسیقی را چون سالیان گذشته به هم پیوند داد. اجرای موسیقی در دستگاه نوا بود که از نکات شایان گفت آن خوانش "شروه آواز" در گوشه ی نیشابورک و تصنیف پر خاطره ی پیر فرزانه بود که همگان را به وجد آورد. قبل از اجرای موسیقی نوشته ای از حسام حق پرست که یادآورد چهار سال همراهی و همدلی برای اجرای موسیقی این مراسم بود توسط مجری برنامه خوانده شد که متن آن را می خوانید:

با حضوری خوش اکنون به چهار یاد پی در پی رسیده تا ساز و آوازی داشته باشی به شور و به عشق که رها می شوی در زخمه سارش با زخمه ات و شعر و شاعری که گندمزار دلش را از جنس دوست یافتی و تحریر خیالش را فریاد انسان تا همیشه! آری؛دو یادمان همراه آواز هنرمند گران ارج"اسماعیل مهیمنی" و سالی با تک نوازی سه تار و اکنون صدای استاد وزان و شروه آوازی را که می بایست جواب دهی و این همه نیست مگر دل به شاعر دیار خویش "سرنا" داده باشی.

یاد و خاطره ی دو عزیزمان،زنده یادان"ماشا رضازاده" و "قاسم مهدی زاده" را گرامی می داریم و در آخر :

من آن نیم که دل از مهر دوست بردارم / و گر ز کینه ی دشمن به جان رسد کارم.

فیلم کوتاه «تدفین نمی‌توانم» در خورموج کلید خورد

مند نیوز : طی مراسمی کار فیلم‌برداری فیلم کوتاه «تدفین نمی‌توانم» به کارگردانی و نویسندگی مهرزاد آل‌بویه از اعضای انجمن نمایش فرهنگسرای شهید شهریاری خورموج آغاز شد.

کارگردان این فیلم در این آیین اظهار داشت: فیلم «تدفین نمی‌توانم» اشاره به دانش‌آموزان کلاسی دارد که برای انجام برخی کارها مردد هستند و در آخر با همکاری معلمشان نمی‌توانم را دفن می‌کنند. مهرزاد آل‌بویه افزود: فیلمبرداری این فیلم را محمد سلیمی‌راد به عهده داشت و نجف انصاری به عنوان صدابردار، جعفر عبدالشاهی دستیار فیلم بردار، فاطمه بحریاری گریم، ساناز موسوی، بهمن بهمنش راد و ماه‌بس بهمنش‌راد به عنوان بازیگران اصلی ایفای نقش کردند. وی تصریح کرد: مرحله تدوین از هفته آینده آغاز می‌شود و سیدکریم موسوی تدوین آن را به عهده دارد. آل‌بویه با قدردانی از مساعدت حوزه هنری گفت: این فیلم با حمایت‌های حوزه هنری ساخته شده است و از حمایت مدیر و هم فکری استاد میرشکار قدردانی می‌کنم.

وی خاطرنشان کرد: در شهرستان دشتی با وجود اینکه تعدادی در عرصه فیلم‌سازی و عکاسی فعالیت می‌کنند اما فقدان انجمن سینمای جوان هستند این امر موجب هدر رفتن این استعدادها می‌شود و از مسئولان استان به ویژه مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان توقع و انتظار داریم نسبت به تأسیس این کانون اقدام لازم به عمل آورند. وی ادامه داد: عده زیادی از کسانی که در عرصه فیلم کوتاه فعالیت می‌کنند به این دلیل به ساخت فیلم کوتاه روی آورده‌اند تا از آن برای پیشرفت و ورود به عرصه فیلم بلند استفاده کنند در حالی که فیلم کوتاه دارای شخصیتی مستقل از فیلم بلند است و در بسیاری از کشورهای دنیا نیز به این موضوع توجه می‌شود. آل‌بویه اضافه کرد: تشویق و ترغیب هنرمندان، به ویژه فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان مفید است.

این مقام مسئول یادآور شد: در رسانه‌های گروهی از این کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌ها حمایت شود و نام آنها و آثارشان برده و فضایی ایجاد شود که هنرمند پی ببرد، آثارشان دیده شده است.

شایان ذکر است فیلم «تدفین نمی‌توانم» دومین فیلم کوتاه مهرزاد آل‌بویه پس از فیلم کوتاه «دمام» است

نمایشگاه کاریکاتور " بابا غرور ندارد – ازبس که نان ندارد

در ادامه برپایی نمایشگاههای حوزه هنری ، مسعود ماهینی هنرمندان مطرح استان آثار خود را در گالری حوزه هنری به معرض دید علاقمندان به هنر قرارداد ،این نمایشگاه آثاری در زمینه کاریکاتور بود. اکثر این آثار از کتاب های هردمبیل و مندو دماغی می باشد.

مسعود ماهینی : متولد ۱۳۶۱ بوشهر، فارغ التحصیل رشته الکترونیک از دانشگاه آزاد بوشهر فعالیت کاریکاتوری از سال ۱۳۸۰ با نشریات دانشجویی ، محلی ، سراسری و تخصصی .

راهیابی در نمایشگاه و جشنواره های متعدد از جمله سومین دوره جشنواره هنرهای تجسمی «هنر جوان» .

– دومین جشنواره تولیدات حوزه های هنری سراسر – جشنواره بین المللی کاریکاتور خودرو«ایران»

–اولین دوره جشنواره بین المللی هنرهای تجسمی فجر– جشنواره بین المللی کاریکاتور ساتیر«ایتالیا»

– برنده جایزه سوم از جشنواره مطبوعات منطقه ای خلیج فارس

– داور دومین جشنواره هنرهای تجسمی دانشگاه خلیج فارس

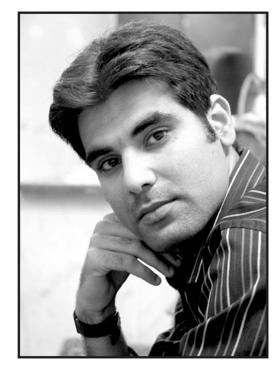
–عضو رسمی خانه مطبوعات محلی استان بوشهر

–عضو شورای تخصصی واحد هنرهای تجسمی حوزه هنری بوشهر

– چاپ دو کتاب بانامهای «مندو دماغی» و «هردمبیل»

تئاتر یا گروگان‌گیری...!

محسن قیصی‌زاده



تئاتر یا گروگان‌گیری!

بیست و دومین جشنواره‌ی تئاتر استانی فجر برگزار...! نه، بهتر است مقاله را جور دیگر آغاز کنم؛ ضعیف‌ترین جشنواره‌ی تاریخ تئاتر استانی فجر در بوشهر برگزار شد!! در میان جشنواره‌های رنگارنگ تئاتر استان که هر کدام به دلایل مختلف اعتبار و حیثیت خود را از دست دادند، تنها جشنواره‌ای که نیمچه‌آبرویی داشت و نام‌آوران و مدعیان نمایش استان به آن نظر داشتند، جشنواره‌ی تئاتر استانی فجر بود که این جشنواره هم در نبود نمایشی در خور توجه، اینک در آستانه‌ی پیوستن به جمع دیگر جشنواره‌های روزمره و بیلان‌کارانه است! نمایش‌هایی سُست و ضعیف که هیچ نشانی از نشانه‌های ناب تئاتری و لحظه‌های هیجان و شور که تماشاگر را به صندلی بچسباند و مو بر تن آدم سیخ کند در خود نداشتند!

وارد سالن نمایش که می‌شدی، پرده که کنار می‌رفت، اولین دیالوگ‌ها که زده می‌شد، پس از چندی به زمین و زمان و قضا و قدر و روزگار فحش ناموس می‌دادی که چرا تو را در این موقعیت و این مکان قرار داده است. جانت بالا می‌آمد تا هنگامی که پرده بسته شود، و خودت را لعنت می‌کردی که چرا قدم به سالن گذاشته‌ای و این‌چنین بی‌رحمانه لحظه‌هایت را خودکشی می‌کنی!!

نمایش خوب در این جشنواره نمایشی بود که بتوانی تا بسته شدن پرده دوام بیاوری، خمیازه نکشی و بد و بیراه نگویی و کمتر خسته شوی! نمایش خوب در این جشنواره، نمایش قابل تحمل بود!

البته در غیاب نام‌های مطرح، پیش‌بینی یک جشنواره‌ی ضعیف کار چندان سختی نبود، اما تئاترها از پیش‌بینی‌ها هم ضعیف‌تر بودند...!

یادم می‌آید سال‌ها پیش در بولتن یکی از جشنواره‌های اواسط دهه‌ی هفتاد، مطلبی از آقای علی قربانی چاپ شده بود که طی آن، به شدت تماشاگرانی که اواسط نمایش‌ها سالن را ترک می‌کردند مورد انتقاد و تازش قرار گرفته بودند. نمی‌دانم آقای قربانی و کسانی همچون خود من که مثل ایشان می اندیشند، اکنون با دیدن تئاترهای این جشنواره چقدر به گفته‌های پیشین خود معتقد و پایبندند!

در این جشنواره، تماشاگرِ متعهد، به نوعی گروگانِ نمایش‌ها به شمار می‌رفت؛ تماشاگری که پس از ورود به سالن نمایش، حداقل به احترام زحمات چندماهه‌ی دست‌اندرکاران و هنرمندان روی صحنه، و یا به احترام شخصیت خودش و دیگر تماشاگران، صحنه‌های یکنواخت و یک‌ریتم و ضعیف و بی‌ربط و کلیشه‌ای و گاه لوس و خنک را تحمل می‌کرد و شکنجه می‌شد و به خود اجازه نمی‌داد سالن را ترک کند!

خودزنی

اصلاً چرا و به چه حقی من باید این‌گونه طلبکارانه بنویسم و ارثِ پدرم را از آنها طلب کنم؟! این‌که بیرون گود بنشینم و از پهلوانانِ کم‌زور درون گود بخواهم غولِ گردن‌کلفت کمبودها و نارسایی‌ها و ضعف مدیریت‌ها و مشکلات را لِنگش کنند! به راستی به هنرمندان جوان‌مان چه داده‌ایم که اینک چیزی در خور و شایسته‌ی صحنه از آنها بخواهیم؟! کدام کلاس آموزشی، کدام بودجه‌ی دندان‌گیر، کدام مشوق را در افق آسمان امیدشان گسترده‌ایم که حالا انتظار خورشید بودن از آنها داشته باشیم؟!

سالیانی‌ست به این نکته می‌اندیشم اگر بسیاری از جوانان و هم‌سن و سالان من، به همین چیزی که نامش را نمایش می‌گذارند دلخوش و مشغول نباشند، به چه چیزی باید امید ببندند؟! آیا روی صحنه بودن بهتر از روبروی پاساژ ایستادن نیست؟! آیا خاک صحنه خوردن نمی‌تواند خوشایندتر از فرو دادن دود سیگار و قلیان میوه‌ای و... باشد؟!

نتیجه‌ی کار هر چه باشد، باز هم جای سپاس و قدردانی دارد که جوانان ما با وجود آن همه سگ‌محلی‌ها از جانب پشت میزنشین‌ها، سگ‌دو زدن‌ها، توسری خوردن‌ها، روی آسفالت داغ تمرین کردن‌ها و تابستان ۴۰ درجه را تاب آوردن‌ها و نه شنیدن‌ها باز هم نمی‌گذارند پرده‌ی تئاتر بسته بماند و گرد صحنه فرو بنشیند.

ما نمی‌توانیم از آنها انتظار معجزه داشته باشیم و به آنها دستور بدهیم که چنین و چنان کنند، فقط می‌توانیم دوستانه توصیه کنیم! شخصاً اگر بخواهم بین تئاتر خوب و انسان خوب یکی را انتخاب کنم، بی‌شک انسان را بر می‌گزینم!!

بحرانِ روی صحنه، افتضاحِ روبروی صحنه

و اما آن چه بیش از نمایش‌ها روان مرا آزرده ساخت، آشفتگی سالن و هرج و مرجی بود که نه بر روی صحنه بلکه روبروی صحنه جریان داشت؛ صدای صندلی‌ها، زنگ موبایل‌ها، همهمه و حرف زدن بلند و یکریز برخی تماشاگران، رفت و آمد زیاد و باز و بسته شدن درب سالن، گریه و جیغ کشیدن نوزادان، و حتا جدیداً شکستن تخمه و خوردن تنقلات!! و... تمرکز و اعصاب دیگر تماشاگران را به هم می‌ریخت و فضایی نابهنجار را به وجود می‌آورد. لازم است در جشنواره‌های آینده، افرادی به عنوان انتظامات در سالن حضور داشته باشند و اجازه ندهند زحمات چندین ماهه‌ی دست‌اندرکاران نمایش در میان این همه سر و صدا و همهمه و رفت و آمد گم شود!

ناکام بزرگ

شاید بتوان ناکام بزرگ این جشنواره را پس از تماشاگران، دانشجویان و تحصیل کردگان رشته‌ی هنرهای نمایشی دانست. فارغ‌التحصیل هنرهای نمایشی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر به عنوان نویسنده و کارگردان و بازیگر، علاوه بر تماشاگران، نتوانستند نظر داوران را نیز به خود جلب کنند تا از ادامه‌ی راه بازمانند. هر ساله رسم بر این بود که هیأت داوران لطف و نگاه ویژه‌ای به اهالی دانشگاه داشت و انتخاب یک کار از دانشجویان و فارغ‌التحصیلانِ رشته‌ی هنرهای نمایشی تقریباً سنت جشنواره‌ها شده بود. اما خوشبختانه این مهم در این جشنواره رعایت نشد تا حداقل امسال، رانت داشتنِ عده‌ای نظرکرده و لابی‌بازی و زیرآبی رفتن و... اندکی رنگ بازد!



خینِ و خینِ‌ریزی، بِرار و بِرارکشی، تَش مِنْ پرده‌ی سینما!!

داوری نمایش‌های امسال کار بسیار سختی بود. بوشهری‌ها ضرب‌المثلی دارند که: «در شهر کورها، یک‌چشم پادشاه‌ست»! اما حالا اگر در این شهرِ تاریک، یک‌چشمی وجود نداشته باشد، باید کلاه پادشاهی را به چه کسی بخشید؟!

حوادث تلخ روز اختتامیه‌ی جشنواره، نکته‌ی چندان تازه‌ای نبود و در جشنواره‌های پیشین هم نمونه‌هایی از این درگیری‌ها را با پیاز داغ کم و زیاد شاهد بوده‌ایم. اما نکته‌ای که باید به آن توجه نمود، این است که چرا برای توجیه هنرمندان و فرهنگ‌سازی در بین این قشر فرهنگی، پس از آن همه درگیری‌های متنوع و عجیب و غریب که در جشنواره‌های مختلف تجربه کرده‌ایم، اقدامی فوری صورت نمی‌گیرد؟!

آیا تا به حال این احتمال را داده‌اید که اگر چنین موردی، خارج از چهارصد پانصد نفر جمع خودمانی و در یکی از جشنواره‌های منطقه‌ای یا کشوری رخ دهد، چه آبرویی از بوشهر و هنرمند بوشهری بر باد خواهد رفت؟!

هشدار

امیدوار بودم با دیدن حداقل یکی دو تئاتر خوب و قابل قبول، انگیزه‌ای دوچندان برای ادامه‌ی فعالیت‌های هنری داشته باشم، اما همان‌گونه که تئاتر خوب، انسان را به تفکر و تحرک و پویش وامی‌دارد، نمایش بد نیز آدم را دلزده، مأیوس و منجمد می‌کند.

همان‌گونه که در اول این نوشته آمد، در این جشنواره تئاترهای قابل تحمل – و نه قابل قبول – نمایش‌های خوب محسوب می‌شدند. این زنگ خطری‌ست برای تئاتر بوشهر که مبادا سطح توقع تماشاگران بوشهری از یک تئاتر ایده‌آل تنزل یابد و پایین بیاید و در کویر خشکِ کار نکردن‌ها و بد کار کردن‌ها، حتا اگر تئاتر متوسطی هم به روی صحنه رود، به آن نمره‌ی قبولی دهند!

دل خودم را با این جمله‌ی استاد آرش‌نیا خوش می‌کنم که: بحران همیشه بد نیست! نیما در بن‌بست و بحران شعر کلاسیک فارسی، سر بر آورد!

* پی‌نوشت: دوستی تعریف می‌کرد هنگامی که تازه سینما به یکی از شهرهای ایران راه یافته بود، جهت تبلیغ فیلم، کسی کنار ورودی سینما می‌ایستاد و با هیجان و با زبان شیرین محلی این جملات را تکرار می‌کرد: « خین و خین‌ریزی، بِرار و بِرارکُشی، تَش مِن پرده‌ی سینما»! (خون و خون‌ریزی، برادر و برادرکشی، آتش در پرده‌ی سینما).

نسیم جنوب
ورزشی ۶
شماره ۵۷۰ یک شنبه ۱ آذر ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

مصاحبه با ماشااله ابراهیمی مربی بسکتبال:

این ره که بسکتبال بوشهر میرود به ترکستان است



– چه شد که به کرمانشاه رفتید؟
– با دعوت از بنده، یکماه قبل از بازیها و انجام تست مربی گری (تمرینات) و یک بازی تدارکاتی (با تیم کارگران کرمانشاه)، به مربی گری این تیم انتخاب شدم. البته از فدراسیون نیز پرس و جو شده بود.

– مسابقات در چه رده ای برگزار شد و چه مقامی کسب کردید؟
– این مسابقات در رده لیگ دوم بسکتبال کشور و در دو مرحله برگزار خواهد شد. این مسابقات که از روز یکشنبه ۲۴ آبانماه در سالن تختی کرمانشاه برگزار شده بود، با قهرمانی تیم پتروشیمی بندر ماهشهر به پایان رسید. در این مسابقات که تیم های گنبد – راه وترابری اصفهان – نفت آبادان – پتروشیمی بندر ماهشهر و آب کرمانشاه حضور داشتند، بترتیب تیم های پتروشیمی ،اصفهان، گنبد، کرمانشاه و آبادان ،اول تا پنجم شدند. من هم که در این مسابقات بعنوان مربی تیم کرمانشاه حضور داشتم، تجربه ای بس گرانبها نیز کسب کردم. تیم کرمانشاه در اولین دیدار خود با تیم اصفهان بازی خود را شروع کرد ،که توانست در پریود اول این تیم خوب را شکست داده و با کمترین بضاعت و بازیکن با اختلاف کمی بازی رو واگذار کند(۵۱–۶۷). در دیدار دوم که با تیم خوب گنبد بازی داشتیم ،این تیم را تا پایان ثانیه آخر (۱ثانیه آخر)و با یک شوت از تیم حریف جلو بودیم(۸۱–۸۳) که متاسفانه یکی از بازیکنان ما از روی بی تجربگی با یک خطای نابجا ،دو شوت رو به حریف داد و بازی به OT کشیده شد! و در پایان با نتیجه ۸۹–۹۱ بازی رو واگذار کردیم. تیم خوب آبادان رو با نتیجه ۸۷–۷۸ بردیم و در بازی آخر نیز به پتروشیمی بازی رو وا دادیم.نماینده فدراسیون در این دوره از مسابقات آقای نوری بودند که بسیار خوب بازیها رو اداره کردند. دور دوم این مسابقات در گنبد و در آینده نزدیک برگزار خواهد شد. لازم به یادآوریست که در یک روز به شروع مسابقات ۳ بازیکن از بهترین های تیم ما کنار گذاشته شدند و به تیم زیر گروه انتقال داده شدند! که این انتقال ضربه بسیار مهلکی به تیم وارد کرد و عملا ۵۰ درصد از قدرت تیم کاهش پیدا کرد.تا جایی که بچه های تیم قرار شد در این دوره از مسابقات شرکت نکنند.البته تیم زیر گروه کرمانشاه که مربی خوبی هم داره آقای پدرام آجیل چی، (فرزند آقای آجیل چی رئیس هیئت بسکتبال کرمانشاه) هستند که امیدوارم در این دوره از مسابقات خوش بدرخشند. دور دوم این مسابقات در گنبد و در آینده نزدیک برگزار خواهد شد.
– چرا مربیان فعال و با دانش نمی توانند در بوشهر مربیگری کنند؟
– اولا تمام مربیان فعلی بوشهربا دانش و با تجربه هستند. ثانیا هزار و یک دلیل برای اینکه مربی بتواند در هرجایی مربیگری کند وجود دارد. ما می بینیم نه تنها مربیان بلکه بازیکنانی هم هستند که در این استان نمی توانند بازی کنند و ترک دیار می کنند!!! امیدوارم ریش سفیدان بسکتبال به این مهم پاسخ دهند.
– آفت اصلی بسکتبال بوشهر و عقب گرد آن در چه فاکتورهایی می بینید؟
– نبود امکانات و زمین – نبود بزرگتری در جمع کردن مشکلات بوجود آمده – قرار نداشتن افراد در جایگاههای واقعی خودشان – نابود کردن دیگران به هر قیمتی و متاسفانه جایگزین شدن رابطه به جای ضابطه !!!
– چکار باید کرد که بسکتبال بوشهر در جایگاه اصلی خود قرار گیرد ؟
– همیشه در هر رشته ، برای مربیان دو فاکتور اساسی در نظر گرفته می شود : یکی تجربه و دیگری دانش و تخصص هست. اما نکته بسیار مهمی که در این بین فراموش شده ،میزان سنجی (ترازو) این دو فاکتور می باشد. آیا بعد از چندین شکست متوالی و سردرگمی ، و بی برنامه گی ، و حتی نداشتن تجربه مربیگری و یا نداشتن دانش و تخصص این ورزش ،چگونه آقایان ، سکان رهبری تیم را بعهده هر کسی قرار می دهند؟ آیا نبایستی حتی بنده را در صورت عدم کسب نتیجه در طی مسابقات بخواهند و از بنده سوال و جواب کنند؟ آیا نباید کسی پاسخگو باشد. بنده در سایتم http://boushehr-basket.persiangig.com بطور مفصل ، قبل از انجام بازیهای لیگ دسته اول کشور که تربیت بدنی بوشهر نیز شرکت کرده بود ، توضیح دادم و از مشکلاتی که در آینده بوجود خواهد آمد بطور مفصل قلم زدم و هشدار دادم که این ره که ما میرویم به ترکستان است. از دست اندرکاران این مهم می خواهم تا دیرتر نشده فکری به حال این تیم کنند.چون به جزء ضرر و آبرو ریزی چیز دیگری در پی نخواهد داشت.

نفرات برتر مسا بقات پینگ پنگ دسته اول شهر ستان بوشهر مشخص شدند

به گزارش روابط عمومی اداره کل تر بیت بدنی استان بوشهر:مسابقات پینگ پنگ دسته اول شهر ستان بوشهر با حضور ۲۵ پینگ پنگ باز بصورت دوره ای در سالن شهید صدوقی بوشهر بر گزار شد که در پایان جمشید لایق به مقام قهر مانی رسید و مهر تاش لاله رخ و یاسر خواجه ئیان به تر تیب دوم و سوم شدند.

مصاحبه با علی افراشته، معاون اجرایی مجلس شورای اسلامی:

به دنبال مصوبه حمایت وزارت نفت از شاهین باید بود

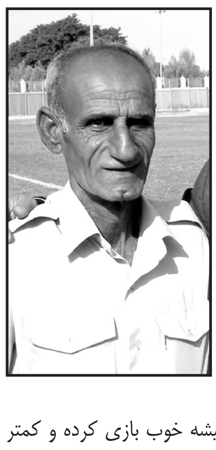


بهاره عالی پور

– آقای افراشته شنیدیم که در تهران نیز بدنبال رفع مشکلات مالی تیم شاهین هستید و اخیرا پیگیر اخذ اعتباری به منظور حمایت از تیم شاهین بودید و به نظر می رسد که این تلاشها به ثمر نشسته است. لطفا در این خصوص توضیح دهید.
– در ابتدا آرزو می کنم که تیم شاهین بوشهر به عنوان نماد تلاش ورزشکاران استان بوشهر در بقیه مسابقات در این فصل بتواند موفق شود و سال آینده هم شاهد حضور شاداب و موفق و پر نشاط تیم در لیگ اول باشیم.همان طور که استحضار دارید ما در سالهای گذشته با توجه به مطالبه ای که ورزشکاران ما داشتند تلاش هایی را برای موفقیت بخش ورزشی استان مخصوصا دو تیمی که در استان مطرح هستند (شاهین و ایرانجوان) به عمل آوردیم و کمکهایی را از منابع در اختیار به این دو تیم پرداخت کردیم. در حوزه های زیرساختی هم خوشبختانه اقداماتی صورت گرفت و عملیات استادیوم بوشهر شروع شد و خوابگاه ورزشکاران به ثمر رسید و اقدامات دیگری برای کمک به بخش ورزش استان انجام گرفت و اینها مقدماتی بود برای اینکه بخش ورزشی استان خیزی بردارد و بتواند در مراحل بعدی موفقیت هایی کسب کند که خوشبختانه با همت مسئولین بخش ورزشی و ورزشکاران ما اتفاق افتاد.
– برای حمایت از تیم های موفق بحث واگذاری تیم به پارس جنوبی مطرح شد ولی این کار با تعویض رضوی نیمه تمام ماند و دچار کم توجهی سوری به عنوان مدیر جدید پارس جنوبی شد؟
– یادم می آید در سال ۸۴ که وارد استان شدم یکی از مطالبات جدی ورزشکاران این بود که برای حمایت از تیم های ورزشی استان مخصوصا تیم هایی که موفقیت هایی در لیگ دسته یک بدست آوردند کمک شوند و حمایتهایی در حوزه های نفت و گاز و پتروشیمی از آنها انجام بگیرد و مکاتباتی را هم نشان دادند که پیگیری هایی شده ولی به ثمر نرسیده و تقاضا داشتند که ما آن را دنبال کنیم. یا خوابگاه یا ساخت استادیوم مطالبات آن جلسه بود که خوشبختانه همه، امروز شاهد آن هستیم که تحقق پیدا کرد و باشگاه شاهین هم در سال ۸۶ در جلسه ای که آقای رضوی هم به عنوان مدیرعامل منطقه ویژه حضور داشتند در جمع ورزشکاران مراسم واگذاری تیم به پارس جنوبی انجام گرفت و تفاهم نامه ای در آنجا امضا شد. البته من متوجه شدم که این باشگاه باید ثبت می شده که متاسفانه این کار به هر دلیلی انجام نگرفته و در مذاکراتی که با دوستان نفتی داشتیم بحثشان این بود که این تیم فقط به صورت یک تفاهم نامه واگذار شده و رسما این تیم تحویل نفت داده نشده و این به عنوان چالشی ست که در حال حاضر در مقابل باشگاه قرار دارد.
– به نظر می رسد بعد از رفتن رضوی از پارس جنوبی و انتصاب سوری در مدیریت پارس جنوبی، شاهین توسط پارس جنوبی رها شده باشد؟ برای رفع این مشکل چه اقدامی کردید؟
– بعد از مشکلاتی که امسال حاصل شد و بعد از جابجایی رضوی از منطقه ویژه و آمدن تیم به لیگ برتر این مشکلات بیشتر خودش را نشان داد و مشکلات مالی بروز کرد. دوستان از استان پیگیری کردند و ما هم در تهران بر مبنای احساس مسئولیتی که نسبت به ورزشکاران داشتیم کار را دنبال کردیم و در مذاکرات متعددی که پیگیری شد خوشبختانه دو هفته قبل در جلسه ای که در کمیسیون فرهنگی مجلس و با حضور جناب دکتر سعیدلو، از آقای کنگانی دعوت کردم و آمدند و نامه ای را که قبل از آن در جلسه ای که خدمت دکتر رحیمی معاون اول رئیس جمهور به اتفاق کنگانی حضور پیدا کردیم و من نامه باشگاه را تقدیم دکتر رحیمی کردم ایشان هم دستور ویژه ای صادر کردند و آقای سعید لو نوشتند که از محل بند ب ماده ۱۱۷ از سهم حوزه های نفتی (نفت و گاز و پتروشیمی) شرکت های مستقر در استان به تیم کمک شود، بعد از آن پیگیری هایی صورت گرفت و نامه در سیکل اداری دنبال شد و ما همچنان موضوع را از طریق آقای سعیدلو دنبال می کردیم و قرار شد که فردای آن روز در سازمان تربیت بدنی وقتی مشخص کنند و به اتفاق دکتر جلالیان دستور حمایت را بگیریم به همین دلیل در در دفتر آقای سعیدلو حاضر و در این خصوص مذاکره کردیم و ایشان دستور دادند که از محل بند ب ماده ۱۱۷ حوزه های نفتی ، شرکتهای مستقر در منطقه کمک شود و مشکل باشگاه و تیم حل شود.
– آیا این کمک عملا لحاظ شده است؟
– خوشبختانه آقای کنگانی به سازمان تربیت بدنی مراجعه کردند و ۲۰۰ میلیون تومان را از محل بند ب ماده ۱۱۷ را که در اختیار سازمان تربیت بدنی بود صدور چک داده شد و قرار شد سازمان تربیت بدنی کشور ۵۰۰ میلیون تومان هم از محل مطالباتی که از همین بند قانونی از شرکتهای مستقر در منطقه دارد، در اختیار باشگاه بگذارد و این مبلغ با توجه به هزینه ای که برای تیم در لیگ برتر تعریف شده است باید در اختیار تیم قرار گیرد و این هزینه را دوستان متخصص تایید کردند. در حال حاضر مربی تیم تغییر کرده و بخشی از هزینه برای مربی جدید در نظر گرفته که قابل قبول است و من از مربی قبلی آقای کللی و مربی فعلی آقای یاوری تشکر می کنم مخصوصا از زمانی که یاوری با تجربیات خوب خود وارد شدند تحولات خوبی را شاهد بودیم.
– فکر می کنید با این مبلغ ۷۰۰ میلیون تومان مشکل تیم حل می شود؟
– قطعا با این مبلغ مشکل تیم حل نمی شد و باید خیز دیگری را بر می داشتیم. با دکتر جلالیان به این نتیجه رسیدیم که (نمایندگان دیگر هم دنبال کار بودند) لازم است که از طریق نفت پیگیری حضوری را در نفت دنبال کنیم و در همین رابطه جلسه ای را خدمت مهندس علی نژاد مدیر بخش ورزش وزارت نفت و قنبرزاده مدیر بخش ورزش شرکت ملی پخش و پالایش بودیم و هر دو انصافا کمک و استقبال کردند و نتیجه خوبی حاصل شد و دستور دادند که ۵۰۰ میلیون تومان صدور چک انجام گیرد.
– آیا این کمک تنها تا سقف ۵۰۰ میلیون تومان خواهد بود؟
– ما دوستان را قانع کردیم که تا سقف ۵ میلیارد تومانی که اعتبار پیش بینی شده برای تیم در لیگ برتر لحاظ شود و بقیه منابع آن را هم باید تامین کنند و چیزی بالغ بر ۳/۵ میلیارد تومان نیاز است که مجددا کمک شود که ایشان قول دادند در شورای عالی ورزش طرح موضوع کنند و در آنجا با نظر مثبت تلاش کنند که این اعتبار تامین شود و خوشبختانه آقای قنبرزاده هم استقبال و اعلام کردند نظرم مثبت است و این کمک را به تیم می کنم، البته چنانچه شورای عالی ورزش هم تایید کند. به اتفاق دکتر جلالیان به این نتیجه رسیدیم که ممکن است نتیجه مناسب بدست نیاید و مشکل باشگاه و تیم حل نشود و منطق این است که خود ما به صورت غیر منتظره در جلسه شرکت کنیم و به صورت غیر منتظره در جلسه شرکت کردیم و خوشبختانه با بحث های اختصاصی که در حوزه کمک به توسعه استان صورت گرفت و مطالباتی که مردم نسبت به حوزه نفت دارند و تجربیاتی که من در دوران مسئولیتم در استان داشتم بحث های زیادی صورت گرفت علی رغم اینکه مقاومتهای زیادی وجود داشت دوستان را قانع کردیم. باور دوستان این است که در حد مقدوراتشان کمک کرده اند و چون تیم هم بنام شرکت نفت نیست قانوناً نمی توانند کمک کنند. بحث های مفصلی را انجام دادیم . آقای بخشیان که معاونت منابع انسانی وزارت نفت و رئیس آن جلسه بودند خوشبختانه همراهی کردند و آقای یزدانی هم به عنوان پیشکسوت ورزشی نظر مثبت داشتند و در آن جلسه نتیجه بحث ها، آقایان پذیرفتند و در پاسخ نامه ای که مدیرعامل تیم آماده کرده بود دستور دادند و قرار شد که به صورت دست گردان امضاهای اعضا را بر مبنای گزارش قنبرزاده امضا کنند تا تکلیف در همان جلسه مشخص شود و این اقدام اقدام مبارکی بود با توجه به کمکی که این بزرگان انجام دادند به عنوان یک کار ماندگار جای تشکر دارد و این پیشنهاد را دادم که چه خوب است مدیرعامل و اعضای باشگاه و مدیرکل تربیت بدنی استان در روزی که تیم با پرسپولیس در بوشهر مسابقه دارد این بزرگان را به استان دعوت کنند و لوح یادبودی برای کار با ارزش شان تقدیم و در جمع ورزشکاران از این حمایت آنها قدردانی شود.
– با این حمایت خوبی که صورت خواهد گرفت آینده تیم را چگونه پیش بینی می کنید؟
– با شرایط مالی که الان اتفاق افتاده معتقدم که با مربیگری خوب آقای یاوری و حمایت ورزشکاران خوب، این تیم می تواند رتبه های بهتری را در لیگ بدست بیاورد و انشاءالله حضور موفق خودش را در لیگ حفظ کند. برای سال آینده هم باید در ارتباط با بخش فنی کار بیشتری شود یعنی برای استفاده از ورزشکاران توانمندی که بتوانند موفقیت های بهتر و جدی تری را حاصل کنند سرمایه گذری کنیم.
– در هر حال به نظر می رسد که تا مدتی شاهین حمایت شود. آیا این حمایت دائم خواهد بود یا به صورت موقت انجام می گیرد؟
– من تجربه دو سفر ریاست جمهوری را به استان داشتم و این پیشنهاد را می دهم که مسئولین استان روی این قضیه کار کنند. اگر این حمایت مصوبه سفر شود ما موظفیم که به آن عمل کنیم. الان و مجموعه باشگاه چون به نام وزارت نفت ثبت نشده است و اولین اقدامی که باید انجام دهیم این است که دوستان و اعضای هیئت مدیره که پای آن تفاهم نامه را امضا کردند باید در واگذاری تیم به وزارت نفت عزمشان جدی باشد و روی این قضیه بحث جدیدی مطرح نشود؛ اگر بحث بحث جدیدی مطرح شود، حمایت وزارت نفت را دچار مشکل می کند ضمن اینکه آنها میلی بر این ندارند که تیم را به لحاظ حقوقی وابسته به خودشان کنند چون معتقدند بر مبنای اصل ۴۴ ما موظفیم که بخش هایی که وابسته به دولت است را خصوصی سازی کنیم و چرا یک تیم خصوصی را به وزارتخانه وابسته کنیم و تشکیلات وزارتخانه را عریض و طویل کنیم. این نگاه وجود داردو اگر از این طرف هم دوستان بحث هایی را مطرح کنند کار را دچار مشکل می کنند.
– پس برای اینکه این حمایت به صورت مستمر ادامه داشته باشد چه پیشنهادی دارید؟
– باور من این است که باید به این سمت حرکت کنیم که فضا و ظرفیت و موقعیت کار را برای این اتفاق فراهم کنیم. منابعی که وزرات نفت دارد از استان حاصل می کند و از این پروژه ملی برای اداره کشور برداشت می شود. این حداقل مطالبه مردم است که بخش ورزشی مورد حمایت مالی وزارت نفت قرار گیرد. دوستان می گفتند می توانیم غیر از اینکه تیم بنام ما باشد حمایت کنیم ولی به نظر من این به سلیقه و نگاه مدیرانی که در مجموعه نفت هستند بر می گردد و این را باید پایدار کرد و به عنوان یک حمایت مالی و راهش این است که آن را به عنوان مصوبه سفر در سفر سوم دولت بگیرند. به این معنا که این تیم به عنوان تیم وابسته وزارت نفت ثبت شود و وزارت نفت به عنوان حامی، این تیم را همواره حمایت کند .
– چنانچه این اتفاق نیفتد چه می شود؟
– اگر این اتفاق نیفتد و مصوبه سفر سوم ریاست جمهور نشود بر مبنای این رفت و آمدها و پیگیری ها است که این اتفاق می افتد. چند بار می شود این قضیه را درخواست کرد؟ چون خیلی زیبنده کار نیست که به این شکل کار را دنبال کنیم. برداشت کارشناسی من از قضیه این استکه برای اینکه این تیم را به حمایت پایدار و مستمر در آینده برسانیم و حضور موفقی در لیگ برتر داشته باشیم و به دسته یک بر نگردد، راهش این است که در سفر سوم یک مصوبه شود و اگر این اتفاق نیفتد باید مدام پیگیری شود و یک روش مفید و مثبت نیست.
– چنانچه این کار عملی شود فکر می کنید با آن موافقت خواهد شد؟
– مسئولین و مدیرکل تربیت بدنی باید پیش نویس آن را آماده کنند و در جلسات تخصصی، نمایندگان از این کار حمایت کنند و چون محور سفر بر مبنای فعالیتهای فرهنگی و حوزه های فرهنگی ست و ورزش هم یکی از مولفه های جدی در حوزه فرهنگ است قطعا ریاست جمهور استقبال می کند و مطمئنم به تصویب می رسد فقط باید بستر کار را به خوبی مهیا کنند که برای تصویب با مانعی مواجه نشود.

چرا در خانه به حریف امتیاز میدهیم؟!

رضا ماهینی – پیشکسوت فوتبال شاهین



به عرض تمام طرفداران عزیز بوشهری میرسانم ، محمود یاوری یکی از بهترین مربیان حال حاضر و از تمام مربیان ایرانی سرتر است. ایشان از نظر مدیریت و فنی سرکار ورزش فوتبال شهره عام و خاص است. اما در مورد نیم فصل دوم باشگاه چون بازی اول و دوم بیرون از خانه انجام می شود، مطمئن هستم و باشید بامید خدا نتیجه خواهد گرفت.
شما بارها و بارها دیده اید شاهین بازی بیرون از خانه همیشه خوب بازی کرده و کمتر باخت نداشته، حالا این چه حکمتی است که بدون تماشاچی در خانه، حریف صاحب امتیاز می شوند ولی در خانه خود با اینهمه تماشاچی خوب و مهربان باوفا امتیاز از دست میدهند. اینهم بدانید تا حالا ما هر گل خورده ایم از دفاع چپ و راست بخصوص چپ خورده ایم من به هیچ عنوان دروازبان را مقصر نمیدانم این بنده خدا چقدر از چپ و راست توپ مهار کند. لاجرم یکی دوتا وارد دروازه خواهد شد. ناگفته نماند همین دفاع چپ و راست هم خوب هستند. خوب تیمهای حریف مرتب هر بازی شاهین آنالیز میکنند و ضعف را پیدا میکنند و از همان جناح ضربه می زنند و این پوشش چه کسی میتواند بدهد؟ شما میگویید باید هافبک هایشان بدهند این درست اما میگویم باید آقای رضا بازیاری بدهد.
بازیاری عزیز تا حالا من ندیدم که حتی یک بازی تو خط دفاع تا آخر نود دقیقه باشید، همه اش ول می کنید و می روید توی خط حمله، شما اگر پنالتی شود برو بزن اگر خطائی شد پشت هیجده با هماهنگی آقای یاوری برو بزن، این بدان توی تمام دنیا فوتبال دنیا حرف اول خط دفاع میزند ،اول دروازه ات قفل کن و حمایت چپ و راست ، بعد برو توی حمله، این بدان خط حمله یا هافبک درسته که مسئولیت سنگین دارند نباید بگذارند فشار روی خط دفاع بیاید. از آنطرف هم چنانچه گلی خراب کنند نام یکنفر نمی برند میگویند تیم گلزن ندارد ،اما خط دفاع همیشه تک به تک ورد زبانهاست آقای بازیاری عزیز بوشهری جنابعالی خیلی محترم و عزیزی هم پیش من و هم پیش طرفداران ، محض رضای خدا از این به بعد حمایت همه جانبه از دفاع چپ و راست کن و قید جلو رفتن را بزن ، توی کدام حمله حین بازی گل زده ای ؟ غیر کاشته هایت؟
ضمن تشکر فراوان از آقایان حاج احمد گزی و مهرزاد رییسی نژاد و بخصوص آقای کنگانی مدیریت شاهین که سنگ تمام گذاشته اند برای برای باشگاه همیشه محبوبم شاهین.

چهارمین جشنواره فر هنگی ورزشی کار کنان مسکن و شهر سازی در بوشهر

به گزارش روابط عمومی اداره کل تر بیت بدنی استان بوشهر: چهارمین جشنواره فرهنگی ورزشی وزارت مسکن و شهر سازی به میز بانی استان بوشهر در رشته های فو تسال – تیراندازی – شنا – و پینگ پنگ بر گزار شد که در پا یان نتایج ذیل بدست آمد:
در رشته فوتسال: در گروه اول تیم تیم بوشهر به مقام قهرمانی رسید و تیم های لرستان و یزد به تر تیب دوم و سوم شدند.
در گروه دوم : تیم سازمان مجری تهران قهرمان شد و تیم های خوزستان و کهکیلویه و بویراحمد نیز به ترتیب عناوین دوم و سوم این ر قا بت ها را بدست اوردند.
در رشته پینگ پنگ: ایراهیم حجری از فارس قهرمان شد و علیرضا اخرتی از تهران دوم – و محمد حسین تلاشیان از فارس نیز سوم شد.
در رشته تیراندازی: تفنگ بادی : بهروز اسدی از خوزستان اول – رضا همایون فرد از کهکیلویه وبویر احمد دوم و سید محمد معصومی از سازمان مجری تهران نیز مقام سوم این مسابقات را کسب نمود.
در رشته تپا نچه بادی: محمد مهدی یزدانی از کرمان به مقام نخست رسید. هادی حاتمی از کرمان و محمد مقدم از خوزستان نیز به تر تیب دوم و سوم شدند.
در رشته شنا: گروه سنی زیر ۳۵ سال: داود دانش گر از یزد اول – فر شاد خسروی از اصفان دوم و محمد مبررزی از فارس مقام سوم.
رده سنی بالای ۳۵ سال: سید مهدی موسوی از بوشهر اول – محمود دهقانی از اصفهان دوم –
رده سنی بلای ۴۰ سال: سیامک ارزنی و رمضان شیخی هر دو از خوزستان به تر تیب اول و دوم شدندو محمد فتحعلی نژاد از فارس نیز مقام سوم این رقا بت ها را به خود اختصا ص داد.

روی خط ایرانجوان

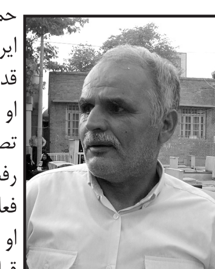
ابراهیمی در پایتخت با باخت، از تیم ایرانجوان پیاده شد

کاوه تهران یک - ایرانجوان بوشهر صفر



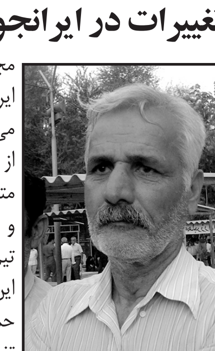
سومین باخت ایرانجوان درلیگ یک در تهران رقم خورد. این دومین شکستی است که ایرانجوان از تیم کاوه متحمل میشود. اولین باخت آنها بر میگردد به چند ماه پیش آنهم از سری مسابقات لیگ دو که باخت تلخ شان توام شد با عدم صعود به لیگ یک، حالا که ایرانجوان سهمیه لیگ دسته اول خریداری کرده در پسین آدینه ۲۹/ آبان ماه۸۸، شکستی تأثیرگذار را در کارنامه خود دیدند و تغییر در رأس کادر فنی، ناصر ابراهیمی مربی با سابقه فوتبال ایران که یکی ارزان ترین مربیان کنونی ایران بشمار میرود، در حالی با تیم ایرانجوان به تهران سفر کرده بود که تمام اسباب و پیچانه اش را به ولایت خویش برده بود. او گویی میدانست برگشتی درکارنیست، ابرهیمی پس ازاینکه داورمسابقه سوت پایان را زد با چشمانی اشک بار ترانه به امید دیدار، برای دوستان و شاگردانش سر داد. او رفت که رفت، حال باید منتظر معجزه گر جدید باشیم یا باید برای این کار از فال حافظ کمک بگیریم یا محمد عباسی مربی شیرازی؟! خوبی این باخت این بود که در این بازی تهران برگزار شد و تماشاگر نماهای نبودند که به ابراهیمی و خبرنگاران و برنامه های ورزشی توهین کنند. امید است مدیریت ایرانجوان به این تیم ریشه دار فوتبالی نگاه کند.

بهترین کار برای ابراهیمی استراحت است



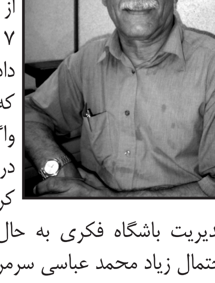
حمید اردلان پیشکسوت ایرانجوان: توان ابراهیمی همین قدر است، ما نباید پیش از این از او توقع داشته باشیم، او بهترین تصمیم را گرفت و از ایرانجوان رفت و به نظر من بهترین گزینه فعلاً حمید معماری است چون او از تیم شناخت کامل دارد، اگر قرار باشد کسی از بیرون به تیم تزریق شود فردی مثل محمد عباسی که بااخلاق و روحیات بازیکنان بوشهری آشناست برای ایرانجوان خوب است. به عقیده من ناصر ابراهیمی دیگر نمی بایست مربیگری کند او تمام ایران را دور زد و سن او درحدی نیست که بتواند تیمی را اداره کند بهترین کار برای او استراحت است.

تغییرات در ایرانجوان جواب نداده



مجید چاهی بخش پیشکسوت ایرانجوان: وقتی که دربوشهر می بازیم توقع دارید در بیرون از خانه پیروز شویم، سه باخت متوالی مقابل آبادان و تبریز و تهران آورده ایم به این سه تیم حتی یک گل نزده ایم و این نشان میدهد که هم خط حمله ما ضعیف است و هم تغییرات در این خط جواب نداده؛ ابراهیمی خودش هم گفته بود که اگر درتهران ببازیم از سرمربی گری کناره گیر میکنم.

حق ما باخت نبود



باقر شادکامی سرپرست ایرانجوان: تیم حریف تیم خوبی بود ولی در اندازه ما نبود ما بهتر از آنها بازی کردیم بچه های ما ۷ الی۸ بخت گلزنی را از دست دادند. متاسفانه در یک بازی که حق ما باخت نبود بازی را واگذارکردیم، آقای ابرهیمی هم درپایان بازی از همه خداحافظی کرد و رفت، حال می بایست مدیریت باشگاه فکری به حال سرمربی ایرانجوان کند به احتمال زیاد محمد عباسی سرمربی ایرانجوان خواهد شد.

نفرات برتر مسابقات دو چرخه سواری

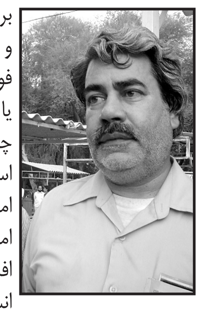
به گزارش روابط عمومی اداره کل تربیت بدنی استان بوشهر: مسابقات دوچرخه سواری قهرمانی کوهستان استان به مناسبت هفته بسیج در دور رده سنی جوانان و بزر گسالان در شهر ستان کنگان با حضور ۵ تیم : بوشهر - دشتستان - کنگان و دو تیم از خارگ بر گزار شد که در پایان نتایج ذیل بدست آمد: رده سنی جوانان: محمد رضا کرمی از خارگ به مقام نخست رسید، حجت حداد از دشتستان دوم شد و محمد شیخ زاده و محمد کرمی هر دو از تیم خارگ مشترکا سوم شدند.رده سنی بزرگسالان: محمد اسماعیلی از تیم کنگان قهرمان شد و علی خزایی از خارگ و یوسف اهلی از کنگان به تر تیب دوم و سوم شدند.

تیم فوتبال بانوان دلوار کشتی جنوب بوشهر در لیگ برتر ماندگار شد

تیم فو تبال بانوان دلوار کشتی بوشهر نماینده استان در لیگ برتر فو تبال باشگاههای کشور که جهت شرکت در مسابقات پلی اف لیگ برتر به شهرستان فسا عزیمت نموده بود، با کسب ۲ پیروزی مقابل تیم ها ی پاس همدان و نماینده فسا به تر تیب با نتایج ۳بر۱ و ۲بر ۱ و تنها یک شکست ۲بر ۱ مقابل نماینده کردستان جواز حضور و ماندگاری در لیگ برتر را بدست آورد.

به فکر رشد فوتبال بوشهر باشیم

علی اکبر شمسا



برای اداره و رشد و توسعه ورزش فوتبال در یک شهر یا استان یا کشور به چند فاکتور مهم و اساسی نیاز است. امکانات مالی- امکانات سخت افزاری- نیروی انسانی تماشاچیان و حامیان ورزشگاهی- امکانات رسانه ای و چند فاکتور دیگر که در مرحله بعدی قرار دارند. اگر این مقوله را باز کنیم و بشکافیم این گونه می شود ارزیابی کرد:

- امکانات مالی- میزان اعتبار و بودجه و پولی و اسپانسری که باید برای اهداف مورد نظر در نظر گرفته می شود.
- امکانات تجهیزاتی که فوتبال آن باشگاه شهری یا استانی یا ملی برای اهداف مورد نظر باید در اختیار داشته باشد. از جمله دفتر باشگاه، زمین و ورزشگاه و دارائی های سرمایه ای و غیر سرمایه ای جهت اهداف مورد نظر باشد.
- نیروی انسانی- افراد لایق و شایسته ای که دارای فاکتور های لازم جهت اشتغال پستهای مختلف درنظرگرفته می شوند از جمله ریاست باشگاه- مدیریت باشگاه- سرمربی و بازیکنان و عوامل دیگری تیم و کارکنانی که می بایست کارهای ادرای و پشتیبانی انجام داد و کمیته های فنی- انضباطی- آموزشی و تبلیغاتی و...
- تماشاچیان و هواداران که همیشه در ورزشگاهها حضور دارند و تیم مورد علاقه خود را حمایت می کنند.
- امکانات رسانه ای تصویری- نوشتاری و اینترنتی برای ارتباط با دنیای خارج از باشگاه و ایجاد ارتباط با عوامل بیرون. حالا باید نگاه کنیم نماینده استان ما در لیگ برتر با توجه به امکاناتی که داشته و دارد، در کسب نتایج مورد نظر تا چه اندازه موفق بوده است.



- ما از نظر مالی و اسپانسر مشکلی مالی گذشته دور و نزدیک نداشته حالا چطوری آن را هزینه کرده و بخرج گرفته ایم خود بحث جداگانه دارد.
- از نظر امکانات سخت افزاری- زمین ورزشگاه و دفتر و خوابگاه بازیکنان و وسائل مورد نیاز در حد قابل قبولی و حتی عالی قرار داشتیم
- از نظر نیروی انسانی اعم از مربیان و بازیکنان و مدیران و دیگر نیروهای تدارکاتی در حد استاندارد و قابل قبولی بودیم که از نظر سرمربی گاهی در حد لیگ یک تنزل می کردند و در بعضی از موارد بر شایستگی و نیکی از آنها یاد می شد و تشکر می کردند از کسانی که آنها را جذب باشگاه کردند. عملکرد بازیکنان روبروی تیمهای بزرگ مثل سپاهان- پرسپولیس- استقلال- ذوب آهن و مس کرمان میتوان حکمی برای شایسته بودن آنها باشد- البته نداشتن کمیته فنی و انضباطی و آموزشی و نداشتن تیم دوم پشتیبانی از نبود آنها شاهین ضررهای قابل چشمگیری کرده که آشکار است. نداشتن مشاورانی و کارشناسانی که از نظر فنی و مدیریتی میتوانستند کمک کنند البته این بستگی به نظر سرمربی و مسیر باشگاه داشته و دارد
- امکانات رسانه ای و... گرچه باشگاه از این مقوله کمبودهایی داشته و دارد اما صدا وسیمای مرکز استان و حتی سراسری و نشریات محلی و حتی سراسری برای نماینده استان سنگ تمام گذاشته و حمایت ها و همه جانبه ای تا این لحظه از باشگاه و سرمربی داشته اند.
- حمایتهای مسئولین- از جمله نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر جناب آیت الله صفائی، استاندار و فرماندار و نمایندگان استان در مجلس و استاندار سابق و رئیس امور ادرای مجلس جناب آقای افراشته و دیگر مسولین استان.
- حمایت و پشتیبانی چشمگیر و مثال زدنی هواداران و در ورزشگاه شهید بهشتی بوشهر و حتی در ورزشگاه های خارج از استان که تمامی مدیران و مربیان و کسانی که با تیم ها و نمایندگان استانهای دیگر سر و کار غبطه داشتن این گونه هواداران می خورند.
- حالا با این داشته ها و امکانات که می توان گفت شاهین پارس جنوبی را از بعضی ارزشها در شرایط بهتری قرار دارد ما توانسته ایم امتیازات قابل قبولی بگیریم و در بین هیجده تیم در رده پانزدهم قرار داریم و با مسابقاتی که در شرایط بد آب و هوائی و زمستانی در خارج از استان بوشهر در پیش رو داریم همچنین مسابقات سختی که در داخل داریم با اندوخته ۱۶ امتیاز از۱۶ مسابقه و میانگین هر مسابقه۱ امتیاز در مرز سقوط و بقاء قرار گرفته ایم. ما باید از تعطیلی که در این مرحله مسابقات بوجود آمده بنحو احسن استفاده کرده و با تمرین و ممارست و ترمیم ضعفها و کمبودها و اضافه نمودن بازیکنان شایسته در پستهای مورد نیاز آنچه شایسته بوشهر و شاهین پارس جنوبی که همان قلمداد نمودن پدیده مسابقات است برسیم و خدای ناکرده به سقوط و پرتگاه و باتلاق لیگ یک که بیرون آمدن از آن به آسانی نیست نرسیم. انشاءا...

گفت‌وگو با علیرضا صمیمی دروازه‌بان بوشهری تیم ملی فوتسال ایران:

اگر می خواهیم بازیکنان بوشهری در سطح ملی داشته باشیم، باید نوع نگاه مسئولین عوض شود

علیرضا صمیمی یکی از استعدادهای ناب فوتسال بوشهر بوده که با تیم دریانوردان بوشهر به فوتسال ایران معرفی شد. او پس از بوشهر به تیم علم وادب مشهد و در حال حاضر درلیگ برتر فوتسال با تیم صدرا شیراز در حال فعالیت است، علیرضا با درخشش خود در مسابقات گوناگون، پیراهن تیم‌های ملی جوانان، امید و حالا بزرگسالان فوتسال ایران را از آن خود کرد. این بوشهری به همراه تیم ملی امید فوتسال در کشور ویتنام، قهرمان بازی های آسیایی داخل سالن شد. با این جوان آینده دار و با اخلاق گفت و گویی داشتیم که تقدیم خوانندگان محترم می نمائیم.

-علی آقا ضمن عرض تبریک قهرمانی تیم‌های فوتسال امید ایران در بازی‌های داخل سالن آسیا که درکشور ویتنام انجام شد، بفرمائید چه شد قهرمان شدید و سطح بازی ها چگونه بود؟

- با سلام خدمت شما، همکارانتان در هفته نامه نسیم جنوب و مردم مهربان بوشهر، تیم ما حدود یکسال در اردو بودو درچند تورنمنت وبازی بین المللی شرکت کرده بودیم و از هر لحاظ آماده قهرمانی در بازی های داخل سالن آسیا بودیم، اگر می بینید که تیم ایران با اختلاف زیاد حریفان را شکست داده از قدرت تیم ملی امید بود. نه ضعف حریفان، با توجه به اینکه اکثر تیم ها با تیم بزرگسالانشان به ویتنام آمده بودند و ازتجربه خوبی برخوردار بودند. مثلاً ما باور نمی کردیم که تیم ترکمنستان این قدر قدرتمند باشد.

- جوراندنیو مربی برزیلی تیم ملی امید، از عملکرد شما به عنوان رکن اصلی تیم ملی یعنی دروازه بان رضایت داشت؟

- بله ایشان و دیگر اعضای کادرفنی پس از هر بازی بخصوص بازی فینال از گلری من رضایت خودشان را اظهار داشتند.

- پیامد بازی های خوب شما و دیگر ملی پوشان تیم امید، باعث شد که توسط حسین شمس سرمربی تیم ملی بزرگسالان به رده بزرگسالان دعوت شوید؟

- شما لطف دارید، به جز من، پنج نفر دیگر از تیم ملی امید در لیست ۱۶ نفره آقای شمس قرار گرفتیم و دوهفته دیگر در اصفهان با تیم اسلونی دیداری تدارکاتی خواهیم داشت.

- در تیم ملی با دو گلر خوب و باکلاس رقابت سختی خواهی داشت، مصطفی نظری و حمیدرضا ابراری نیا از گلرهایی هستند که چند سال تجربه ملی و جام جهانی دارند، برای اینکه یکی از گلرهای اصلی تیم باشی چه کار خواهید کرد؟ با تمرین، تمرین و تمرین مطمئن باشید خودم را به سطح آنها می رسانم. البته من هم بی تجربه نیستم ولی دعوت به تیم ملی بزرگسالان انگیزه ام را چند برابر کرده.

- اردیبهشت ماه ۸۸ یک دیدار دوستانه با تیم ملی برزیل در ارومیه داشتید و ۴ بر یک بازی را واگذار کردید پس از آن بازی مربی برزیل حرف های جالبی در خصوص تیم امید ایران گفته بود؟ بله سرمربی تیم ملی برزیل، زمانی که بازی تمام شد به ما گفت شما دل شیر دارید که مقابل ما این قدر خوب و بدون استرس بازی کردید و شماها نسلی بهتر از نسل کنونی بزرگسالان ایران هستید و شما می توانید در فینال جام جهانی راه پیدا کنید.

- مثل اینکه بهترین بازی شما در برابر تایلند آنهم در بازی پایانی بود؟

- بله تا اواخر بازی سه بر دو عقب بودیم که لحظات پایانی گل مساوی را به ثمر رساندیم در یک دقیقه پایانی یکی از ما اخراج شد و در آن لحظات فشار زیادی برروی دروازه ما آورده شد ۵ الی ۶ موقعیت صد درصد گل را از تایلندی ها گرفتم و در ضربات پنالتی، ضربه سوم تایلندی ها را مهار کردم و در ضربات پنالتی ۵ بر۴ پیروز شدیم.



- شنیده شده که تایلندی ها در هنگام ضربات پنالتی برای شما کری می خواندند؟

- چون قبل از جام جهانی در یک تورنمنت به تایلند رفته بودیم و در آنجا چند پنالتی آنها را مهار کرده بودم به همین دلیل در ویتنام تعدادی از آنها کری می خواندند.

- پس از قهرمانی فدراسیون فوتبال وزیرمجموعه آن پاداشی هم برای شما در نظر گرفتند؟

- قول هدیه خودرو و۴۰ سکه بهار آزادی را به ما دادند.

- زمانی که مسابقات به ایران آمدید استقبال مسئولین چگونه بود؟

- خوب و گرم.

- شما به عنوان بازیکن تیم فوتسال صدرا شیراز در بدو ورود به شیراز استقبال مسئولین و تیم صدرا از ملی پوشان خودشان چگونه مشاهده کردید؟

- خوب و عالی بود. مسئولین تیم و هیات فوتبال شیراز سنگ تمام گذاشتند با من مثل یک بازیکن بومی برخورد کردند.

- پس از قهرمانی شما و ویتنام و ورود ما به ایران و پس از آن به بوشهر کسی از مسئولین استانی به دیدار شما آمد یا تلفنی با شما گرفته شد؟

- خیر کسی به دیدنم نیامد، شاید نمی دانستند که به بوشهر آمدم، تلفنی هم به من زده نشد. فقط آقای حسین پوربهی از تربیت بدنی بوشهر آنهم بخاطر رفاقتی که با هم داریم به من تلفن زد البته جا دارد از مسئولین شهرداری بوشهر بخاطر نصب چند بنر در خصوص بنده و قهرمانی تیم ملی امید تشکر ویژه ای داشته باشم.

- با مسئولین استان بوشهر چه صحبتی دارید؟

- اگر به فوتسال بوشهر اهمیت دهند، بازیکنان بوشهری در سطح ملی خواهیم داشت باید نوع نگاه به فوتسال بوشهر عوض شود. چون از لحاظ استعداد بوشهر چیزی از استانهای دیگر کم ندارد امید است این کم لطفی روزی به پایان برسد.

- با اینکه اول راه فوتسال قراردادی، آخر فوتسال کی خواهد بود؟

- آخر فوتسالم دوست دارم در جام جهانی باشد. افتخار می کنم تا لحظاتی که توان دارم برای بوشهر و خاک پاک ایران مفید و موثر باشم.

- گپ پایانی؟

- در این جا، جا دارد از همه کسانی که در حق من محبت کردند تشکر ویژه ای داشته باشم، مطبوعات محلی بخصوص هفته نامه نسیم جنوب که هیچ وقت من را از یاد نبرده، برنامه نشان (صدا و سیما) مسئولین دانشگاه آزاد واحد بوشهر و در نهایت از پدر و مادرم که در مسیر پیشرفتم نهایت فداکاری را برایم معنی کردند سپاس گذاری می کنم.

در نیم فصل دو لیگ نهم:

یاوری چه سیستمی را ترجیح می دهد؟

مجید اصلانی



۱- سیستم۲-۴-۴مدرن:

این سیستم در چند سال اخیر بوندیس لیگا موفق ترین عملکرد را داشته و هنوز هم جواب می دهد و به سیستم فلیکس ماگاتی هم مشهور است. سال گذشته یا فصل قبل ولفسبورگی ها دو سیستم الماس و ۲-۴-۴ را به شیوه ای مسلط و مناسب با هم ادغام کردند و به شایستگی قهرمان بوندیس لیگا شدند. در سیستم الماس (درخشنده و برنده) یک هافبک دفاعی مسئولیت پوشش دادن خط دفاع را برعهده دارد، دو هافبک کناری در بالهای زمین حرکت می کنند و یک هافبک هجومی پشت مهاجمان ایفای نقش می نماید.

این سیستم با توجه به کارایی بازیکنان و مناسب فرم فیزیکال آنان طراحی می شود. فلیکس ماگات توانست با برگزیدن این سیستم بالاترین عملکرد فردی و مسئولیت پذیری را از بازیکنانش بیرون بکشد.

۲- سیستم ۲-۴-۴ سنتی با اوتمار هیتسفیلدی:

در سیستم الماس و مدرن پشت سر دو مهاجم یک هافبک هجومی ایفای نقش داشت ولی دراین سیستم دفاع و قدرت دفاعی تیم را هدایت میکنند و دو هافبک سرعتی در جناحین نقش تغذیه مهاجمین را برعهده دارند و هیتسفیلد با داشتن دو مهاجم به نام لوکاتونی و میروسلاو کلوزه فصل موفقی درسال ۸-۲۰۰۷ داشته باشند و لوکاتونی آقای گل بوندس لیگا شد. این سیستم وعده یک بازی هجومی و زیبا را نمیدهد اما درعوض تیم را ازثبات دفاعی لازم برخوردار می کند به خصوص اگر تیم از مهره های هجومی و تمام کننده خوبی برخوردار باشد.

۳- سیستم ۳-۳-۴

رالف رانگنیگ با این سیستم در هافن هایم فقط در نیمه های اول بازیهای خود موفق بود وبعد از مصدومیت «ودادایبسویچ» گلزن قهار هافن هایم برندگی خود را از دست داد ومعلوم شد که این سیستم تا چه اندازه به بازیکنان شاخص وابسته است. امسال با ورود لوییس فان گال در بایرن مونیخ این مرد هلندی ۳-۳-۴ هلندی را در بایرن به اجرا درآورده که هنوز در بایرن مونیخ جا نیافتاده است. دلیل انتخاب این سیستم حضور آرین روبن هلندی و فرانک ریبری فرانسوی که دو هافبک کناری هجومی هستند، میباشد.

۲-۴-۴ سنتی برای بایرلورکوزان و هامبورگ کارساز و منطقی بوده و امتیازهای خوبی را تصاحب کرده اند ودرحال حاضر ۱۴ تیم از ۱۸ تیم حاضر دربوندس لیگا از سیستم۲-۴-۴ سنتی استفاده میکنند.

منتظر می نشینیم تا نیم فصل دوم آغاز گردد و تفکرات یاوری که میل به مدل های آلمانی دارد در قواره شاهینی ها مشاهده می گردد یا خیر؟

شماره بلوز	نام بازیکن	تعداد بازی	جمع دقایق بازی	کارت قرمز	کارت زرد	پاس گل	گل زده
۵	عبدالرضا بازیاری	۱۶	۱۳۵۵	_	۳	_	۵
۱	مجتبی روشنگر	۱۵	۱۳۵۰	_	۲	_	_
۲۱	ایوان پترویچ	۱۶	۱۳۰۵	_	۲	۱	۲
۸	بهادر عبدی	۱۵	۱۲۴۲	_	۳	۱	۲
۱۰	عبدا...کرمی	۱۴	۱۱۵۶	_	۱	_	۲
۱۵	مهدی نوری	۱۳	۱۱۱۳	_	_	_	_
۴۰	محمد احمدپوری	۱۵	۱۱۱۲	_	۲	۳	۵
۱۱	محسن ایران نژاد	۱۶	۱۰۴۰	_	_	_	_
۴	جمال حق شناس	۱۳	۱۰۲۴	_	۲	_	_
۱۲	اوباجی کی ساندی	۱۶	۱۰۰۵	_	۱	۲	_
۱۷	عباس پورخسروانی	۱۱	۸۸۶	_	_	۲	۲
۱۶	مهدی کیانی	۱۳	۷۸۵	_	۲	۱	۱
۲	محسن حمیدی	۷	۳۲۲	_	_	_	_
۲۰	حبیب هوشیار	۵	۲۸۰	_	۱	_	_
۲۴	امیر حسین محمدی	۶	۲۴۲	_	۱	_	_
۳	حمید محمدی	۴	۲۲۸	_	_	_	_
۱۹	لوسیانو والنته	۵	۱۲۴	_	_	۱	_
۲۷	منصور تنهایی	۴	۱۰۴	_	۱	_	_
۲۲	هادی شفیعی	۱	۹۰	_	_	_	_
۱۸	محمد ناصر شکرون	۴	۸۹	_	_	_	_
۶	سلیمان پناهی	۶	۸۷	_	_	_	_
۱۴	حمیدرضا سلیمانی	۴	۷۰	_	_	_	_

روی خط ورزشی نویسان

بهتر است حرکات در طول زمین برنامه ریزی شوند



محمد جهان افروزیان دبیر صفحه ورزشی هفته نامه خلیج فارس : به نظر من شاهین در تاکتیک اش تنوع دیده نمی شود، استفاده از احمدپوری و پورخسروانی به عنوان دو مهاجم در نوک پیکان شاهین، باعث می شد که این دو بیشتر اوقات در بازی خارج باشند، چون در خط میانی کسی را نداشتیم که آنها را تغذیه کند. تیم شاهین در شرایط کنونی احتیاج به یک نوک حمله قوی دارد. به نظر من بجای این که شاهین در میانه میدان از مثلث های کوچک در وسط زمین استفاده کند، بهتر است حرکاتمان در طول زمین برنامه ریزی کنیم، حالا که بازی های دور رفت تمام شد، می بایست از تجربیات بدست آمده نهایت بهره را ببریم.

از خدا می خواهیم که شاهین در لیگ برتر بماند



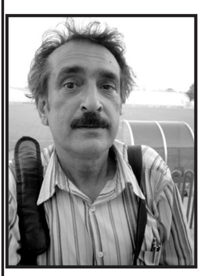
حسن غریبی دبیر صفحه ورزشی هفته نامه نصیر : شاهین در بازیهای دور رفت، در شش بازی اول متفاوت بود. پس از آمدن آقای یاوری تیم از نظر فنی مقداری بهتر شد باز مسائل حاشیه ای که اگر بخواهیم این مطلب را باز کنم بحث های زیادی می شود عنوان کرد. من فکر می کنم اگر شاهین بتواند مسائل درونی اش را حل کند، شاید بتواند در همان رتبه ۱۵ جدول بماند ما از خدا می خواهیم که شاهین در لیگ برتر بماند اگر در همین رده جدول بمانیم اوت نخواهیم شد.

امیدوار به عملی شدن وعده یاوری



علی اسماعیلی دبیر صفحه ورزشی هفته نامه صدای بوشهر : به نظر من زمانی که آقای یاوری سرمربی شاهین شد در چند بازی واقعا روی زیبای شاهین را مشاهده کردیم،اما پس از سه الی چهار بازی،به حالت اولیه درآمد یعنی نتایج خلاف انتظار مردم گردید. امیدوارم در بازی های برگشت ،وعده ای که جناب یاوری در خصوص پدیده شدن شاهین داده عملی شود .

منتظر هنر نمایی شاهین در دور برگشت



ضیاء جمالی عکاس و ورزشی نویس: به عقیده من نمی شود گفت که شاهین امتیازهای خوبی جمع کرد، ولی منتهی در مجموع با این پتانسیل که از بچه های شاهین دیده شد شک ندارم که تیم در لیگ برتر ماندگار خواهد شد. چون در حال آماده سازی است تا در دور برگشت با قدرت هرچه بیشتر به مصاف حریفان رود. امید است شاهینی ها اگر به خودشان بیایند به جایگاهی که ما فکر می کنیم نائل خواهد شد. در هر صورت ما منتظر هنر نمایی شاهین در دور برگشت خواهیم بود.

نتایج نه خوب و نه بد



فاضل قنبر پور مدیر سایت اختصاصی فوتبال بوشهر: با وجود این که شاهین اولین سالی است که در لیگ برتر حضور دارد می شود گفت نتایجش، نه خوب بوده و نه بد. من فکر می کنم می شود بهتر از این هم نتیجه بگیریم. ما قدر امتیازهای خانگی را ندانستیم . امیدواریم در دور برگشت قدر فرصت ها را بدانیم. انسان با امید زنده است، ما پتانسیل ماندن داریم، چون تماشگر داریم، بازیکنان خوبی داریم و این از فاکتورهای خوبی است که قدرت ما را برای بقا در لیگ برتر بیشتر می کند.

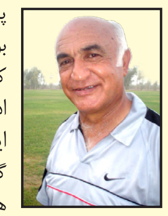
نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی
- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- مدیر گرافیک : موسی ولی زاده
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتوگرافی و چاپ: علوی بوشهر ۲۵۲۷۷۹۷



پشت دروازه فوتبال

ناصرابراهیمی از ایرانجوان رفت



پس از سه باخت پیاپی تیم ایرانجوان بوشهر در مسابقات لیگ دسته اول کشور مخالفت هواداران این تیم با ادامه کار ابراهیمی در راس کادر فنی، این مربی تهرانی پس از باخت جمعه گذشته مقابل کاوه تهران با بوشهری ها خداحافظی کرد و قید همکاری را با ایرانجوان زد. با توجه به اینکه ابراهیمی چند صباحی بود که خطر اخراج حسابی او را تهدید می کرد.

علیرضا محمدی در کلاس A.T.C



علیرضا محمدی مدیرروابط عمومی باشگاه شاهین بوشهر، هفته گذشته درکلاس A.T.C فیفا که در تهران برگزار شد شرکت نمود. این کلاس برای نمایندگان تیمهای لیگ برتری در هتل المپیک برپا شده بود، نحوه به خدمت گیری بازیکنان خارجی را به فراگیران آموزش داده شد. تنها غایب این کلاس نماینده تیم ابومسلم خراسان بود.

باقری ها سفید پوش نمی شود



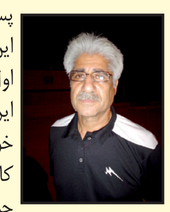
با اینکه همه مراحل انتقال نبی اله باقری مدافع پرسپولیس تهران به شاهین انجام شده بود، در آخرین لحظات که سرمربی سرخ پوشان پایتخت با این عمل مخالفت کرد و بدین صورت باقری ها تا پایان فصل در پرسپولیس خواهد ماند و شاهینی یا عبارتی سفید پوش نخواهد شد.

مجتبی شیری در شاهین بوشهر



پس از اینکه انتقال نبی اله باقری بازیکن پرسپولیس تهران به شاهین به مرحله انجام نرسید شاهین برای مستحکم کردن خط دفاعی خود باب صحبت را با مجتبی شیری دیگر مدافع پرسپولیس بازکرد و این بار کرانچار مخالفتی در این رابطه اعلام نکرد و اگر در بازیهای دور برگشت بشیری را با پیراهن شاهین مشاهده کردید تعجب نکنید.

حمید معماری سرمربی ایرانجوان



پس از رفتن ابراهیمی از تیم ایرانجوان، این تیم بی سرمربی شده وگویا دستیار اول آن حمید معماری شاید سرمربی ایرانجوان گردد. به گفته یکی از خاک خورده ایرانجوان، معماری چون شناخت کامل از تیم دارد در این مقطع و جام حذفی بهترین گزینه است. حال باید دید چه کسی، بومی یا غیر بومی سکان ایرانجوان را به دست می گیرد.

محمد عباسی به ایرانجوان نزدیک تر شد



محمد عباسی مربی اسبق شاهین که در بوشهر از محبوبیت خاصی برخوردار است، هدف ایرانجوانی هاست تا او را جهت سرمربیگری این تیم بوشهری در لیگ دسته اول به خدمت گیرند، گویا خود عباسی هم از این بابت بی میل نیست که یک بار دیگر در بوشهر مربی گری کند. حالا باید دید یک غیربومی دیگر در بوشهر ایرانجوان فوتبال این دیار را متحول خواهد کرد؟

پیروزی سه بر صفر شاهین برابر تیم شیرازی

تیم شاهین بوشهر اواخر هفته گذشته جهت یک دیدار دوستانه راهی شیراز شد و برابر تیم یاد یاران که از سوی سیمان فارس حمایت مالی می شود، سه بر صفر به پیروزی رسید، رضا سلیمانی، ناصر شکرون، و عباس پور خسروانی گلزنان این بازی بودند. هادی شفیعی گلر شاهین در ۴۵ دقیقه دوم ضربه پنالتی شیرازی ها را مهار کرد. شایان ذکر است در غیاب رضا بازیاری، عبداله کرمی و هادی شفیعی در بندهای اول و دوم کاپیتان شاهین بودند.



شاهین میهمان بندر لنگه

تیم شاهین پس از دیداری دوستانه در شیراز، به دعوت تیم البدر بندر لنگه از طریق مسیرهوایی وارد این بندر شد. تیم شاهین قرار است یک دیدار دوستانه با تیم امید در استادیوم تختی آن دیار داشته باشد. لازم به ذکر است در این سفر میهمان نوازی بندر لنگه ای ها شاهینی ها را متعجب کرد، تیم شاهین در هتل دیپلمات یکی از بهترین هتل های بندر اسکان داشته و شور و شوق جوانان بندری ها در قبال بازیکنان و مربیان شاهین مثال زدنی بود.

گفتگو با مجید حسینی کنگانی مدیرعامل باشگاه شاهین:

بوشهر عزم خود را جزم کرده که از شاهین حمایت کند



– جناب کنگانی خسته نباشی، این روزها در تلاش هستید تا مشکل اصلی باشگاه که همان بحث مالی است را مرتفع سازید، ولی سئوال اینجاست که شما اعلام داشتید ۷۰۰ میلیون تومان به باشگاه واریز خواهد شد که این حاصل رایزنی شما و نمایندگان استان و افراشته با دکتر سعیدلو رئیس سازمان تربیت بدنی کشور بوده، اما چند شب پیش در زیرنویس سیمای مرکز بوشهر، اعلام گردید که وردیانی مدیرکل تربیت بدنی استان گفته ۷۰۰ میلیون به باشگاه شاهین پارس جنوبی کمک مالی کرده، این موضوع را چگونه ارزیابی می کنید؟

– به هر حال همه زحمت کشیدند، حالا فرق نمی کند مهم این است که مشکل مالی شاهین حل شود، قطعاً زحمات دوستان هم تأثیرگذار بوده، دوستان پیگیری کردند و قطعاً خوب هم اطلاع رسانی می کنند که دوستان دیگر هم در جریان قرار بگیرند و امیدوار باشند.

– ازاین مبلغ چند درصد دیگر به بازیکنان پرداخت خواهد شد؟

– نگاه کنید ما یکسری مطالبات پرداخت نشده به بازیکنان داریم که بایستی پرداخت شود و یکسری هزینه های باشگاه است که می بایست تیم رو پا باشد مثل هزینه های رفت و برگشت به محل مسابقات، با یاری خدا سعی خواهیم کرد با رایزنی که با وزارت نفت داریم امید است اتفاقات خوبی هم رخ دهد و تا قبل از بازی با فولاد خوزستان مبالغی را به بازیکنان پرداخت نمائیم.

– این طور که شنیده می شود مسئله آمدن مدافع پرسپولیس تهران نبی اله باقری ها به تیم شاهین منتفی شده وگویا شما سرصحبت را با مجتبی شیری دیگر بازیکن خط دفاعی پرسپولیس باز کرده اید، آیا این موضوع صحت دارد؟

– بله، با وجود ارتباط خوب بین ما و تیم پرسپولیس، مسئولین پرسپولیس رضایت نامه باقری ها را صادر ننمودند و بجای ایشان قرار است مجتبی شیری را به ما بدهند که این کار طی روزهای اول هفته جاری انجام خواهد شد.

– این وضعیت یعنی به خدمت گرفتن یک مدافع از لیگ برتر، دیگر ازجذب گلر لیگ برتری محروم خواهید ماند؟

– با توجه به اینکه دوستان معتقدند که ما باید خط دفاعی را تقویت کنیم، بهترین اولویت را در خط دفاعی دیدیم.

– مطالبات سرمربی شاهین (حمید کللی فرد) به کجا رسید؟

– در جلسه بخاطر شکایت کللی فرد به کمیته انضباطی فدراسیون رفته بودم، کتباً نوشتم که با توجه به اینکه ایشان کار بزرگی برای شاهین و بوشهر انجام داده، مبلغ پرداختی برای وی قابل محاسبه و عدد ریالی نیست، چون او کار بزرگی انجام داده و در اولین فرصت که مسئله مالی حل شود پول کللی فرد پرداخت خواهد شد.

– با توجه به اینکه در مقابل ایشان و البته همه، خیلی خوب برخورد کرده اید همیشه از کللی فرد به نیکی یاد نموده اید چرا سرمربی اسبق شاهین از باشگاه بزرگ شاهین شکایت کرده؟

– شاید توی این فضایی که ما مشکل مالی داشتیم احساس کرده که حقش ضایع می شود و باید به دنبال کارش را بگیرد. البته من حق را به ایشان می دهم که دنبال حقش برود.

– نظرتان در خصوص انتقادهای ورزشی نویسان محلی چیست؟

– من اعتقاد دارم که ورزشی نویسان بوشهر خیرخواهانه می نویسند، هیچ وقت قلم دوستان را در مسیر دیگر برداشت نمی کنم، نوشته های آنها از سر دلسوزی است. اگرهرکسی بخواهد مسیر خوبی را پیش پای تیم بگذارد که خدا را شکر در استان نداریم، همین دوستان ورزشی نویس و خبرنگار، جوابش را خواهند داد.

– همین خبرنگارا و ورزشی نویسان که شما تعریفشان می دهید در اعزام های تیم به استانهای دیگر در معیت تیم قرار نمی دهید حالا که دور رفت تمام شد برای بازی های برگشت چه کار خواهید کرد؟

– به دلیل مسئله مادی که داشتیم نتوانستیم ژورنالیست های خوب استان را به همراه تیم به مسابقات اعزام کنیم ولی در بازیهای برگشت، از خانه مطبوعات می خواهم برای هر بازی که در بیرون از خانه انجام می شود دو خبرنگار را که از طریق خودشان (خانه مطبوعات) به ما معرفی نمایند.

– آقای کنگانی مدیریت ورزشی سخته یا خیلی سخت است؟

– من هیچ وقت هیچ چیز را سخت نمی بینیم ولی باید سخت کار کرد. من به این باور رسیدم که هرجاآدم قصد کند و هدف را داشته باشد موفق خواهد شد احساسات، آدم را بجایی نمی رساند با احساسات و عجله کردن، استان با مشکل مواجه می شود.

– مثل اینکه دوست دارید مطلبی تازه یا جدیدی بگوئید؟

– بله درست حدس زدید، مطلبی که به شما می گویم تا بحال در جایی بازگو نکردم، چند وقتی که اتفاقات خوبی در باشگاه انجام شده و دارد گشایش مالی بوجود می آید، کسانی دارند می آیند و دارند مطالباتشان را مطرح می کنند که مربوط به ۷ الی۸ سال پیش بوده.

مگر اشکالی دارد؟

– نه اشکالی ندارد فقط شکایاتً آنها پس از آن مدت که انجام شده مثلاً دو الی سه میلیون. با رأی که صادر شده حالا به ۱۸ میلیون رسیده کسی که سه میلیون تومان طلب داشته حالا می بایست باشگاه ۱۸ میلیون تومان به او بپردازد. باشگاه هم باید این کار را انجام دهد چون دادگاه رأی را صادر کرده از کسانی که مطالبه از باشگاه دارند در خواست میکنم که با ارائه مدارک قانونی خود به ما مراجعه کنند و درخواست دیگرم این است که اگر مطالباتشان را می خواهند اصل آن را طلب کنند نه چیز دیگری.

– از بحث خشن مالی بگذریم، تیم شاهین تیم اخلاق در نیم فصل اول انتخاب شد شما چه کار خواهید کرد که این عنوان در پایان فصل هم به شما برسد؟

– وقتی بازیکنی از دیگر نقاط ایران به بوشهر می آید و آداب بوشهری ها را مشاهده می کند از تمرین کردن در نزد خیل هواداران لذت می برد و این اخلاق را از زمان مسابقه تیم رعایت میکند، اکثر کارتهای زردی که ما در جریان بازیهای نیم فصل دریافت کردیم روی مسائل فنی بوده، بحمدالله کادرفنی هم سوای مسائل تکنیکی و تاکتیکی، روی مسائل اخلاقی حساسیت خاصی دارد.

– گپ آخر؟

– همه بوشهر عزم را جزم کرده که از تیم حمایت کند و بازیکنان هم، هم قسم شدند که بازیهای خوبی به نمایش بگذارند،خوشبختانه الان برای کشور ضرورت حفظ تیم شاهین برای لیگ برتر جاافتاده، البته این احساس من است امیدوارم که در پایان کارخدواند ما را روسفید کند.

گفت و گو با مسلم مسیگر آقای گل فوتبال ساحلی آسیا:

نبود بازی های برون مرزی تدارکاتی، استرس بازیکنان را به همراه داشت



– آقا مسلم اول اینکه از بابت عدم صعود شما با تیم ملی فوتبال ساحلی ایران به جام جهانی همه ناراحت شدند ولی بخاطر آقای گل شما در مسابقات آسیایی، اکثر ایرانیان بخصوص بوشهری ها خرسندند، در این خصوص صحبت کنید؟

– از بابت اینکه به جام جهانی نرفتیم من هم بسیار ناراحت هستم و شرمنده همه ایرانی ها.

– در بازیهای آسیایی که در کشور امارات متحده عربی(دبی) انجام شد، با چند گل زده آقای گل شدید؟

– دربازی با چین ۴ گل زدم و در بازی مقابل عمان ۳ گل به ثمر رساندم در کل با ۷ گل زده آقای گل مسابقات آسیایی شدم.

– سطح بازی چطور بود و علت اصلی که تیم ایران به جام جهانی صعود نکرد چه چیز بود؟

– سطح بازی ها خیلی خوب بود، همانطور که مشاهده کردید ما هر ساله به جام جهانی صعود می کردیم ولی امسال رقابت ها خیلی نزدیک بود ولی چیزی که به تیم ما لطمه زد بخصوص در بازی با ژاپن در نیمه نهایی ۵ بر ۳ بازی را واگذار کردیم، ناداوری داور اماراتی بود و استرس بازی کردن بازیکنانمان.

– بازیکنان جدید یا قدیمی؟

– نه همان قدیمی ها استرس بهشون وارد شده بود.

– چرا؟

– به دلیل اینکه ما تا زمان مسابقات رسمی مثل بازیهای آسیایی و مقدماتی جام جهانی هیچ بازی برون مرزی برایمان تدارک نمی بینند همین مسئله باعث شد که به بازیکنان ما استرس وارد شود.

– عملکرد مربی چگونه بود؟

– مربی ما خوب کار می کرد و مشکلی نداشت.

– مثل اینکه رضاعلی مسئول کمیته فوتبال ساحلی کشور درکار او دخالت میکرد؟

– بله دخالت میکرد ولی مربی ما اهمیتی به او نمیداد و کار خودش را انجام می داد.

– با توجه به نتایج بدست آمده و دخالت رضا علی در کار کادر فنی، احتمال دارد او برکنار شود؟

– بله احتمال زیاد برکنار خواهد شد.

– راستی چرا در بازی نیمه نهایی مقابل ژاپن اززمین اخراج شدی؟

– کارت زرد اول را به خاطر اینکه قبل ضربه پنالتی یارمان وارد محوطه جریمه شدم دریافت کردم وکارد زرد دوم که توأم شد با کارت قرمز بخاطر خطای فنی بدی که روی بازیکن ژاپنی انجام دادم.

– مثل اینکه قرار است دوباره به تیم دریانوردان بوشهر برگردی؟

– دوست دارم به تیم دریانوردان برگردم ولی گمان نمیکنم مسئولان تیم عمران سازان اصفهان بسادگی رضایت نامه ام را صادر کنند.

– با درس و دانشگاه چه کار میکنید؟

– خوب شد که این سئوال را پرسیدید، از همین طریق از آقای امامی ریاست دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر خواهش میکنم که مسئله درسی بنده را درست نمایند و دستوری صادر نمایند که اساتید دانشگاه با من همکاری لازم را داشته باشند تا با خیال راحت درس بخوانم هم به تیم ملی برسم.

– گپ پایانی؟

– از همه کسانی که برایم زحمت کشیدند نهایت تشکر میکنم. از شما و هفته نامه نسیم جنوب که همیشه به یاد من هستید سپاسگذارم.

افتخار آفرینی ستارگان بوشهر در آسمان خمین



بیست و هفتمین دوره مسابقات قهرمانی چوگو کشور در استان مرکزی شهرستان خمین برگزار گردید که تیم‌های استان‌های مرکزی، آذربایجان غربی، کرمانشاه، بوشهر، همدان، یزد، فارس، کرمان، چهارمحال بختیاری، کردستان، گیلان، سمنان شرکت نمودند که همه تیم‌ها با آمادگی کامل و امکانات لازم، ولی بوشهر با آمادگی کامل ولی امکانات ضعیف توانست بازی خوب و منطقی ثمره یک سال تمرینات مداوم قهرمانی این دوره از مسابقات را از آن خود کند و بعد از ۱۸ سال طعم قهرمانی را بچشد. جا دارد تشکر و قدردانی نمائیم از جناب دکتر پولادی مسئول ورزشهای همگانی و جناب معصومی دبیر ورزشهای همگانی و خانم حسینی مسئول دفتر ورزشهای همگانی که با داشتن هزینه کم همیشه و با جدیت یار مشوق ما بودند.

اسامی منتخب تیم بوشهر:

سرپرست: شعبان هنرپیشه مربی: علی مهرجویی داور: علیرضا آمیان

بازیکنان: احسان قائدی امامزاده، رضا مهرجویی، مهدی حیدری، رضا معماری، مهدی معصومی، محمد قائدی امامزاده، حمید سلیمی نیا، وحید قائدی امامزاده، محمد دشتی، عباس شیخ زاده

(مسئول انجمن ورزشی چوگو استان- شعبان هنرپیشه)



روی خط شاهین

باید از بازیهای شاهین در دور رفت راضی باشیم



علی دشتیاری زاده پیشکسوت شاهین: باید از بازیهای شاهین در دور رفت راضی باشیم، با شرایطی که کللی فرد برای بستن تیم بوجود آورد همه نگران بودیم و اگر او ادامه می داد معلوم نبود چه نتایجی حاصل می شد. مساوی مقابل پرسپولیس آن هم با درایت یاوری همه بوشهری ها را خوشحال کرد و انتظارات هواداران بالارفت. من خودم شخصا به دیدن یاوری رفتم و ازبابت شادکردن دل مردم از وی تشکرکردم اما بازی پرسپولیس و پیروی مقابل مس و باخت برابر صبا باطری قم همه چیز را بهم زد. حالا که دور رفت به اتمام رسیده ودرحال بازسازی تیم برای دوربرگشت میباشند، امید است که درخط دفاعی یاری جدید و خوب به این خط اضاف شود. به نظرمن گلر ما بد نیست ولی گلهای مفتی دریافت می کند.

اگر تقویت نکنند، با مشکل مواجه خواهند شد



حسین هلال بحر پیشکسوت شاهین: شاهین در دور رفت بد نبود، با آمدن محمود یاوری بر سر تیم شاهین روند تیم بهتر شد ولی خوب نبود اگر آنها گلر، مهاجم و دفاع را تقویت نکنند صد درصد با مشکل مواجه خواهند شد به نظرمن گلر نصف هرتیم است؛ اگر قرار است بازیکنی ازلیگ برتر به شاهین اضافه شود باید دروازه بان به خدمت بگیرند چون گلر شاهین نشان داد که خیلی از فاکتورهای دروازه بانی ندارد. شاهین از آن ناحیه همچنان ضربه خواهد خورد گلر ما در اکثر بازیها گلهایی خورد که مقصر اصلی خودش بود تاخط دفاعی. امید است هر تصمیمی که میگیرند به سود شاهین باشد.

یاوری به افت دچار شده



ابراهیم رفعت بوشهری پیشکسوت شاهین: زمانی که آقای یاوری به شاهین آمد، از لحاظ روحی و روانی روی همه بازیکنان حتی روی تماشاگران تاثیر خوبی گذاشت و خیلی زود در دل بوشهری ها جا افتاد. او با تیم بندی که کللی فرد بسته بود وارد هفته ششم لیگ برتر شد شروع شان خوب بود ولی به افت دچار شدند. اگر قرار باشد یار جدیدی به تیم بیاورند بهترآن است که گلر اضافه کنند به نظرمن در وهله اول گلر در مرحله بعد دفاع، همه میدانند که عملکرد دروازه بان شاهین از خط دفاعی ضعیف تر بود. انشاءا... که شاهد پیشرفت تیم شاهین در دور برگشت باشیم.

نیاز به گلر تازه داریم



سعید شکوریان پیشکسوت شاهین: به نظر بنده به دلیل اینکه تیم شاهین در مرحله پلی آف به لیگ برتر صعود کرد و زمان کافی برای جفت و جور کردن بازیکن نداشت نتایجش در دور رفت بد نبود بااینکه تیم شاهین درچند بازی فراتر از انتظار ظاهر شد ودر بعضی از بازیها نوسان داشت به عقیده من اگر قرار باشد شاهین در نقطه ای تقویت شود آن ناحیه دروازه بانی است چون تجربه نشان داده که گلرها یک تنه بار دفاع را به دوش کشیده اند با توجه به اینکه خط دفاعی هم مهم است ولی گلر مهمتر است.

ستاره فو تبال بانوان ملوان یک بوشهری است



در کشورفوتبال‌بانوان پیشرفت‌چشمگیری داشته است و امروز هم به صورت حرفه‌ای ۱۶ تیم در دو گروه ۸ تیمی دارند بازی‌های لیگ را دنبال می کند.در استان بوشهر همه مردم با نام خانم گل «ایران» آشنایی کامل دارند. ندا عبداله‌زاده که با حضور چندین ساله‌ی خود در تیم‌های ملی فوتبال و فوتسال بانوان ایران نشان داده که چه استعداد عجیبی در فوتبال بانوان استان می‌توان یافت امروز لیگ فوتبال زیر گام‌های این خانم گل می‌درخشد. فوتبال بانوان ملوان انزلی در تیم خود ستاره‌ای دارد که بوی گل می‌دهد. در دور رفت لیگ فوتبال بانوان ایران، ندا عبداله‌زاده یک فوق ستاره بوده و با به ثمر رسیدن ۵گل و دادن ۷ پاس گل تاکنون بهترین پاسور لیگ کشور بوده است.